



ویرایش دوم

تهیه و تنظیم: سیاوش هوشیار - مونا زنده دل

۵۱- اگر پس از ابلاغ واقعی دادخواست اولیه در محل اقامت خوانده، وی محل اقامت خود را تغییر دهد و تغییر محل اقامت را اعلام نکند، کدام مورد صحیح است؟

- ۱) ابلاغ از طریق نشر آگهی در روزنامه رسمی انجام می گیرد و حکم صادره، غیابی محسوب می شود.
- ۲) **اخطاریه ها و اوراق قضایی به همان محل سابق برای ابلاغ فرستاده می شود و حکم صادره، حضوری است.**
- ۳) اخطاریه ها و اوراق قضایی به همان محل سابق برای ابلاغ فرستاده می شود و حکم صادره، غیابی است.
- ۴) مدیر دفتر دادگاه از خواهان می خواهد تا نشانی جدید خوانده را به دفتر دادگاه اعلام کند.

گزینه ۳ صحیحی است

با ابلاغ واقعی به خوانده، برای او سابقه ابلاغ به وجود آمده است و مطابق ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی (که ازین پس در این نوشتار به صورت ق.آ.د.م خواهد آمد) «هرگاه یکی از طرفین دعوا محلی را که اوراق اولیه در آن محل ابلاغ شده یا محلی را که برای ابلاغ اوراق انتخاب کرده تغییر دهد... باید فوری محل جدید و مشخصات صحیح را به دفتر دادگاه اطلاع دهد. تا وقتی که به این ترتیب عمل نشده است، اوراق در همان محل سابق ابلاغ می شود.»

بر اساس انتهای ماده ۳۰۳ ق.آ.د.م یک از شرایطی که موجب حضوری شدن رای صادره می شود ابلاغ واقعی اخطاریه است، با توجه به اطلاق این بخش از ماده، حتی یک بار ابلاغ واقعی اخطاریه به خوانده دعوا برای حضوری بودن رای کافی است.

۵۲- اگر علی رغم ابلاغ، هیچ یک از اصحاب دعوا در دادگاه حاضر نشوند و دادگاه نتواند در ماهیت دعوا بدون اخذ توضیح رأی دهد، حکم چیست؟

- ۱) صدور قرار رد دعوا توسط قاضی



۲) صدور قرار ابطال دادخواست توسط مدیر دفتر

۳) تجدید وقت رسیدگی و دعوت مجدد طرفین

۴) صدور قرار ابطال دادخواست توسط قاضی

گزینه ۴ صحیح است

سوال از متن ماده ۹۵ ق. آ. د. م طرح شده است :

«عدم حضور هریک از اصحاب دعوا و یا وکیل آنان در جلسه دادرسی مانع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نیست. در موردی که دادگاه به اخذ توضیح از خواهان نیاز داشته باشد و نامبرده در جلسه تعیین شده حاضر نشود و با اخذ توضیح از خوانده هم دادگاه نتواند رأی بدهد، همچنین در صورتی که با دعوت قبلی هیچ یک از اصحاب دعوا حاضر نشوند، و دادگاه نتواند در ماهیت دعوا بدون اخذ توضیح رأی صادر کند دادخواست ابطال خواهد شد.»

قانونگذار در مواردی قرار ابطال دادخواست را به عنوان ضمانت اجرای اقداماتی قرار داده که خواهان باید معمول دارد. قرار ابطال دادخواست، افزون بر آن، در پی استرداد دادخواست نیز صادر می شود.

در هر حال، قرار مزبور همواره از سوی دادگاه صادر می شود و با صدور آن، پرونده از دادگاهی که به دعوا رسیدگی می نموده خارج می شود.

۵۳- دعوایی به استناد سند عادی اقامه شده است. خواهان اصول اسناد را در جلسه اول دادرسی حاضر نمی کند. با انکار و تردید خوانده، کدام اقدام صورت می گیرد؟

۱) سند از عداد دلایل خواهان خارج می شود و قرار رد دعوای خواهان صادر می شود.

۲) جلسه تجدید شده و به خواهان ابلاغ می شود اصول اسناد را در جلسه دوم حاضر کند.

۳) اگر دادخواست خواهان مستند به ادله دیگری نباشند، در آن خصوص ابطال می شود.

۴) دعوای خواهان، مردود اعلام می شود.

گزینه ۳ صحیح است

مطابق ماده ۹۶ ق. آ. د. م یکی از وظایف خواهان این است که اصل اسنادی که رونوشت آنها را ضمیمه دادخواست کرده است، در جلسه دادرسی حاضر نماید. علاوه بر این چنانچه خواهان نخواهد یا نتواند در دادگاه حاضر شود، باید اصل اسناد خود را به وکیل یا نماینده خود برای ارایه در دادگاه و ملاحظه طرف بفرستد و الا در صورتی که آن سند عادی باشد و مورد تردید و انکار واقع شود و دادخواست وی مستند به ادله دیگری نباشد در آن خصوص ابطال می گردد.



۵۴- دادگاه عمومی (حقوقی) شهرستان ورامین با صدور قرار، اقدام به رد دعوا می‌کند، قرار مزبور در دادگاه تجدید نظر استان تهران تأیید می‌شود، اما در دیوان عالی کشور نقض می‌شود، کدام مرجع به پرونده رسیدگی کرده و حکم مفتضی را صادر می‌کند؟

(۱) دادگاه تجدیدنظر استان تهران

(۲) همان دادگاه عمومی (حقوقی) شهرستان ورامین

(۳) شعبه هم عرض دادگاه عمومی (حقوقی) شهرستان ورامین

(۴) همان شعبه دیوان عالی کشور

گزینه ۲ صحیح است

چنانچه قراری که از دادگاه نخستین صادر شده در مرحله تجدیدنظرخواهی نقض شود، اعم از اینکه مستقیماً مورد فرجام خواهی قرار گرفته (ماده ۳۶۷ ق.آ.د.م) یا در دادگاه تجدیدنظر استوار شده باشد، پرونده برای رسیدگی ماهیتی باید به دادگاه نخستین ارجاع شود.

همچنین مطابق بند الف ماده ۴۰۱ ق.آ.د.م «اگر رأی منقوض به صورت قرار بوده ... رسیدگی مجدد به دادگاه صادرکننده آن ارجاع می‌شود.»

۵۵- اگر دادخواست دعوای تقابل در جلسه اول دادگاه مطرح شود، جریان دادرسی چگونه خواهد شد؟

(۱) به دادخواست اصلی، در جلسه دادگاه رسیدگی می‌شود و جلسه‌ای برای رسیدگی به دعوای تقابل تعیین می‌شود.

(۲) الزاماً دادگاه وقت جلسه دادرسی را تجدید کرده و خواسته را به اصحاب دعوا (اصلی و طاری) ابلاغ می‌نماید.

(۳) دادخواست به خوانده دعوای تقابل ابلاغ شده و دادگاه موظف است در همان جلسه دادرسی، به هر دو دادخواست رسیدگی کند.

(۴) با درخواست خواهان دعوای اصلی، وقت جلسه دادرسی تجدید می‌شود.

گزینه ۴ صحیح است

مطابق ماده ۱۴۳ ق.آ.د.م مهلت تقدیم دادخواست دعوای متقابل، تا پایان اولین جلسه دادرسی است و اگر خواهان دعوای متقابل را در جلسه دادرسی اقامه نماید، خوانده می‌تواند برای تهیه پاسخ و ادله خود تأخیر



۵۶- دعواری اثبات تولیت از ناحیه احمد، علیه بهرام و اداره اوقاف اقامه شده است. دادگاه بدوی با احراز شرایط، حکم تولیت احمد صادر می‌کند. اگر تجدیدنظرخواهی بهرام مردود اعلام شود، آیا اداره اوقاف می‌تواند نسبت به رأی دادگاه بدوی و با رأی تجدیدنظر، اقدام به فرجام خواهی کند؟

(۱) خیر، نسبت به هیچ کدام

(۲) بلی، نسبت به هر دو مورد

(۳) بلی، اما فقط نسبت به رأی تجدیدنظر

(۴) بلی، اما فقط نسبت به رأی بدوی

گزینه ۱ صحیح است

طبق بند ۲ قسمت الف ماده ۳۶۷ ق.آ.د.م احکام راجع به دعوای تولیت اگر به علت عدم درخواست تجدیدنظر قطعیت یافته باشد قابل فرجام خواهی خواهند بود.

بر اساس مفاد ماده ۳۵۹ ق.آ.د.م رأی دادگاه تجدیدنظر اصولاً نسبت به طرفین تجدیدنظرخواهی موثر است، مگر اینکه رأی ساده قابل تجزیه و تفکیک نباشد، در فرض سوال آثار تجدیدنظرخواهی بهرام را باید نسبت به اداره اوقاف نیز ساری دانست و بر این اساس حتی اگر اداره اوقاف برای فرجام خواهی مهلت داشته باشد هم، با توجه به اطلاق بند ۲ قسمت الف ماده ۳۶۷ مذکور نمی‌تواند از رأی فرجام خواهی کند.

۵۷- تجدیدنظرخواهی از کدام حکم، مانع اجرا نیست؟

(۱) خلع ید

(۲) الزام به تنظیم سند رسمی

(۳) رفع تصرف عدوانی

(۴) الزام به تحویل مبیع

گزینه ۳ صحیح است

مطابق ماده ۱۷۵ ق.آ.د.م درخواست تجدیدنظر مانع از اجرای حکم رفع تصرف عدوانی نیست. البته در صورت فسخ رأی در مرحله تجدیدنظر، اقدامات اجرایی به دستور دادگاه اجراکننده حکم به حالت قبل از اجرا



اعاده می‌شود و در صورتی که محکوم به، عین معین بوده و استرداد آن ممکن نباشد، مثل یا قیمت آن وصول و تأدیه خواهد شد.

۵۸- آیا وکیل می‌تواند درخواست تأخیر جلسه دادرسی را کند؟

- (۱) در هیچ صورتی نمی‌تواند موجب تأخیر جلسه دادرسی شود.
- (۲) در هر صورتی می‌تواند موجب تأخیر جلسه دادرسی شود.
- (۳) **با وجود عذر موجه، حتی اگر وکالت در توکیل دارد، می‌تواند درخواست تأخیر جلسه را بنماید.**
- (۴) تنها با وجود عذر موجه و با شرط عدم وکالت در توکیل، می‌تواند درخواست تأخیر جلسه را بنماید.

گزینه ۳ صحیح است

طبق ماده ۴۱ ق.آ.د.م در صورتی که وکیل معذور، عذر خود را کتبا به دادگاه ارسال کند و دادگاه عذر او را موجه بداند، جلسه رسیدگی را تجدید می‌کند، در این فرض داشتن حق توکیل وکیل معذور تاثیری در موضوع ندارد.

لازم به ذکر است که داشتن حق توکیل برای وکیل طبق ماده ۴۲ و در جایی که وکیل همزمان در دو یا چند دادگاه دعوت شده باشد می‌تواند موثر باشد.

۵۹- هرگاه در دادخواست، خواهان یا محل اقامت او معلوم نباشد، کدام اقدام صورت خواهد گرفت؟

- (۱) در دفتر دادگاه، اخطاریه‌ای به دیوار الصاق می‌شود تا ظرف ده روز رفع نقص شود، در غیر اینصورت توسط دادگاه دادخواست ابطال می‌شود.
- (۲) در دفتر دادگاه، اخطاریه‌ای به دیوار الصاق می‌شود تا ظرف ده روز رفع نقص شود، در غیر اینصورت توسط مدیر دفتر رد می‌شود.
- (۳) **ظرف دو روز به موجب قرار مدیر دفتر دادگاه، رد می‌شود.**
- (۴) ظرف دو روز به موجب قرار دادگاه، رد می‌شود.

گزینه ۳ صحیح است

طبق ماده ۵۶ ق.آ.د.م در فرضی که خواهان یا محل اقامت او در دادخواست معلوم نباشد، ظرف دو روز از تاریخ رسید دادخواست به موجب قراری که مدیر دفتر یا در غیاب او جانشینش صادر می‌کند، دادخواست



رد می شود. به این قرار اصطلاحاً «قرار رد فوری» گفته می شود و تنها نقصی در دادخواست است که ضمانت اجرای آن رد فوری و بدون اخطار به خواهان می باشد.

لازم به ذکر است که الصاق به دیوار دادگاه در مورد قرار رد دادخواست تجدیدنظرخواهی از دادگاهی که دادخواست تجدیدنظرخواهی را دریافت کرده است و به علت مشخص نبودن مشخصات تجدیدنظرخواه و کسی که دادخواست داده است و قبل از پایان مهلت تکمیل نشده باشد، صادر می شود در ماده ۳۴۴ ق.آ.د.م. پیش بینی شده است، این قرار ظرف ده روز از تاریخ الصاق به دیوار دادگاه قابل اعتراض در دادگاه تجدید نظر می باشد.

۶۰- رفع اختلاف بین مؤدی و شهرداری در خصوص عوارض ساختمان، در صلاحیت کدام مرجع است؟

(۱) دیوان عدالت اداری

(۲) کمیسیون ماده ۷۷

(۳) کمیسیون ماده ۹۹

(۴) کمیسیون ماده ۱۰۰

گزینه ۲ صحیح است

بر اساس ماده ۷۷ [قانون شهرداری](#) «رفع هر گونه اختلاف بین مؤدی و شهرداری در مورد عوارض و بهای خدمات ارائه شده توسط شهرداری و سازمان های وابسته به آن بکمیسیون مرکب از نمایندگان وزارت کشور و دادگستری و انجمن شهرارجاع میشود ...»

بر این اساس، برای رسیدگی به اختلافاتی که ممکن است در فرآیند محاسبه یا صدور عوارض رخ دهد، یک مرجع اداری غیرقضایی، با عنوان کمیسیون ماده ۷۷ تشکیل و به اختلافات رسیدگی می کند به تصریح همین ماده «رأی کمیسیون مزبور قطعی است.»

۶۱- برای کدام یک از شرایط قانونی دادخواست، ضمانت اجرای صریح پیش بینی نشده است؟

(۱) شغل خوانده - آنچه که خواهان از دادگاه درخواست دارد.

(۲) تنظیم در برگ چاپی مخصوص - تنظیم به زبان فارسی - شغل خوانده

(۳) **تنظیم در برگ چاپی مخصوص - تنظیم به زبان فارسی - امضای دادخواست**

(۴) شغل خوانده - تعهدات و جهانی که به موجب آن، خواهان خود را مستحق مطالبه می داند.

**گزینه ۳ صحیح است**

با وجود آنکه در صدر ماده ۵۱ ق.آ.د.م آمده است که دادخواست باید به زبان فارسی و بر روی برگ های چاپی مخصوص نوشته شود، و همچنین در بند ۷ ماده مذکور «امضای دادخواست دهنده و در صورت عجز از امضاء، اثر انگشت» جزو مواردی که باید در دادخواست باشد ذکر شده است، با این حال در ماده ۵۴ و ذکر ضمانت اجرای نقائص دادخواست از این موارد ذکر نرفته است و تنها طبق ماده ۵۳ کسر تمبر و موارد مذکور در بندهای ۲ تا ۶ ماده ۵۱ مشمول ضمانت اجرای صدور اخطار رفع نقص و در صورت عدم رفع نقص در مهلت ده روز قرار رد دادخواست از دفتر دادگاه دانسته شده اند.

دکتر شمس ذیل شماره ۱۰ جلد دوم کتاب آیین دادرسی مدنی دوره بنیادین آورده اند « علت پیش بینی نشدن ضمانت اجرا در مورد این شرط و سایر شرایط این دسته، اهمیت نداشتن آن ها نمی باشد بلکه از نظر قانون گذار، این شرایط «بنیادین» می باشد بدین معنی که اگر «برگی» چنین شرایطی را نداشته باشد اصولاً نمی توان آن را «دادخواست» شمرد و حتی شایسته ثبت در دفتر ثبت دادخواست نبوده و بنابر این «رد فوری» و «توقیف» نیز که نسبت به «دادخواست» مصداق دارد، در مورد آن منتفی است.»

۶۲- در خصوص دعوای مطالبه خسارت وارده به اموالی وقف شده اند، خواهان کدام شخص است؟

(۱) متولی

(۲) **شخصیت حقوقی موقوفه**

(۳) موقوفه علیهم

(۴) اداره اوقاف و امور خیریه

گزینه ۲ صحیح است

طبق ماده ۳ **قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه** «هر موقوفه دارای شخصیت حقوقی است و متولی یا سازمان حسب مورد نماینده آن می باشد.»، بنا بر این برای مطالبه حقوق موقوفه حسب مورد متولی و یا اداره اوقاف باید به نمایندگی از شخصیت حقوقی موقوفه طرح دعوا کنند.

۶۳- تقاضای اعاده دادرسی نسبت به کدام یک از تصمیمات مراجع قضایی، امکان پذیر است؟

(۱) تمام آرای دادگاه ها، اعم از حکم یا قرار

(۲) احکام و قرارهای قطعی

(۳) احکام و قرارهای قاطع دعوا

**گزینه ۴ صحیح است**

مطابق صدر ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م «نسبت به احکامی که قطعیت یافته ممکن است به جهات ذیل درخواست اعاده دادرسی شود...»

با توجه به این نص، اعاده دادرسی تنها نسبت به احکام مقدور است. بنابراین قرارهای دادگاه، حتی قرارهای قاطع دعوا و قرارهای تأمینی، به مفهوم اعم، از جمله قرارهای تأمین خواسته و دستور موقت قابل اعاده دادرسی نیستند.

۶۴- سیما دعوای محکومیت حمید به پرداخت اجرت‌المثل ایام تصرف را طبق نظر کارشناس مطرح کرده و با این استدلال که دعوای او مستند به سند رسمی مالکیت و منطبق با بند «الف» ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی است، تقاضای صدور قرار تأمین خواسته بدون پرداخت خسارت احتمالی را می‌کند. تکلیف دادگاه برای صدور قرار تأمین خواسته چیست؟

(۱) چون دعوای وی مستند به سند رسمی مالکیت است، دادگاه مکلف است بدون دریافت خسارت احتمالی، اقدام به صدور قرار تأمین خواسته کند.

(۲) چون نوع و میزان خواسته در سند رسمی مالکیت قید نشده است، لذا اگر موضوع مشمول بندهای دیگر ماده مزبور نباشد، دادگاه مکلف است از وی خسارت احتمالی دریافت کند.

(۳) چون نوع و میزان خواسته به طور دقیق مشخص نیست و باید بعداً طبق نظر کارشناس مشخص شود، دادگاه مکلف است از وی خسارت احتمالی دریافت کند.

(۴) به دلیل اینکه خواسته هنوز مشخص نیست و بعداً طبق نظر کارشناس مشخص خواهد شد، امکان صدور قرار تأمین خواسته وجود ندارد.

گزینه ۲ صحیح است

به صورت کلی، اگر نوع و میزان خواسته ای که درخواست تأمین آن می شود در سند رسمی مستند دعوا مشخص نشده باشد، دادگاه نمی تواند با استناد به بند الف ماده ۱۰۸ ق.آ.د.م قرار تأمین خواسته صادر نماید. در فرض سؤال نیز در سند مالکیت، تنها مالکیت خواهان قید شده و استحقاق وی به اجرت المثل و میزان آن، موضوع سند نیست.

بنابراین اگر موضوع، مشمول سایر بندهای ماده ۱۰۸ نباشد، دادگاه مکلف به اخذ خسارت احتمالی است.



۶۵- مرجع رفع اختلاف ناشی از اجرای رأی داوری، کدام است؟

- (۱) دادگاهی که دعوا را به داوری ارجاع داده است.
- (۲) داوری که رأی داوری را صادر کرده است.
- (۳) **دادگاهی که اجرائیه، جهت اجرای رأی داوری صادر کرده است.**
- (۴) دادگاهی که واجد صلاحیت رسیدگی به اصل دعواست.

گزینه ۳ صحیح است

فرض سوال ناظر به حالتی است که رأی داوری به مرحله اجرا رسیده است، طبق بخش انتهایی ماده ۴۸۸ ق.آ.د.م، رأی داور "برابر مقررات قانونی" اجرا می شود، طبق ماده ۲۶ قانون اجرای احکام مدنی "اختلافات ناشی از اجرای حکم راجع به دادگاهی است که حکم توسط آن دادگاه اجرا می شود"، طبق ماده ۴ همین قانون "اجرای حکم با صدور اجرائیه به عمل می آید"، بنا بر این فارغ از منشاء صدور اجرائیه، رفع اختلاف در نحوه اجرا را باید مربوط به دادگاه صادر کننده اجرائیه بدانیم.

۶۶- کدام مورد، صحیح است؟

- (۱) اگر ارائه کننده سند پس از انکار، آن را مسترد کند و انگیزه خود را اعلام نماید، اعلام انگیزه در دادرسی مؤثر است.
- (۲) **هرچند در قانون، قراری به عنوان قرار رسیدگی به اصالت سند پیش‌بینی نشده است، اما این قرار، جزو قرارهای اعدادی است.**
- (۳) استرداد سندی که در اثنای دادرسی مورد انکار قرار گرفته است، دلالت بر بطلان آن می کند.
- (۴) وکیل در دفاع از دعوا می تواند سند خواهان را انکار کند، هرچند وکالت نامه به آن تصریح نشده باشد.

گزینه ۲ صحیح است

قرار اعدادی یا مقدماتی یا تحضیری قراری است که برای این صادر می شود که پرونده را آماده صدور رأی قاطع نماید (شماره ۳۱۱، آیین دادرسی مدنی دوره بنیادین جلد دوم)، دکتر شمس در همین کتاب «قرار تطبیق» را در ردیف قرارهای اعدادی آورده و در تعریف آن گفته اند: «در مواردی که دادگاه برای رسیدگی به صحت و اصالت سندی که مورد ادعای جعل واقع شده، تصمیم می گیرد که سند متنازع فیه را با اسناد مسلم الصدور تطبیق دهد و آوردن این اسناد به محل تطبیق ممکن نبوده و یا به نظر دادگاه مصلحت نباشد



به موجب قرار دادگاه تطبیق مزبور در محلی که اسناد و نوشته های مسلم الصدور قرار دارد انجام می شود.»
 دکتر شمس ذیل شماره ۲۱۳ کتاب ادله اثبات دعوا در مورد نحوه رسیدگی به اصالت سند می گویند « ...
 وجود شرایط رسیدگی معمولاً صریحاً اعلام نمی شود بلکه دادگاه احراز آن ها را با اعلام تصمیم خود به
 رسیدگی به اصالت سند اعلام می کند و آن را «قرار رسیدگی به اصالت سند» می نامند، که به هر روی از
 قرارهای اعدادی شمرده می شود ...»

گزینه ۱ صحیح نیست، استرداد سند موجب در نظر نگرفتن آن سند به عنوان دلیل خواهد شد و انگیزه
 صاحب سند از استرداد موضوعیت ندارد.

گزینه ۳ صحیح نیست، به تصریح ماده ۲۱۸ ق.آ.د.م "استرداد سند دلیلی بر بطلان نخواهد بود"
 گزینه ۴ صحیح نیست، طبق بند ۳ ماده ۳۵ ق.آ.د.م انکار و تردید سند از مواردی است که باید در وکالتنامه
 وکیل تصریح شوند.

۶۷- دادگاه کدام یک از اشخاص زیر نمی تواند به سمت داور تعیین کند، مگر تراضی طرفین؟

- (۱) قضاوت و کارمندان اداری شاغل در محاکم قضایی
- (۲) اشخاص محروم از داوری، به موجب حکم قطعی دادگاه و یا در اثر آن
- (۳) اشخاص فاقد اهلیت قانونی
- (۴) کارمندان دولت در حوزه مأموریت آنان

گزینه ۴ صحیح است

طبق بند ۸ ماده ۴۶۹ ق.آ.د.م کارمندان دولت در حوزه ماموریتشان جز با تراضی طرفین نمی توانند به
 عنوان داور انتخاب شوند.

طبق مواد ۴۶۶ و ۴۷۰ ق.آ.د.م مواردی که در سایر گزینه ها آمده است، حتی با تراضی طرفین هم نمی
 توانند به عنوان داور انتخاب شوند.

۶۸- در حال حاضر، هزینه دادرسی اعتراض ثالث به احکام صادره در دعاوی مالی، معادل چه میزان است؟

- (۱) پنج درصد محکوم به
- (۲) چهار درصد محکوم به
- (۳) سه درصد محکوم به



۴) چهار درصد خواسته

هیچ گزینه ای صحیح نیست.

هر چند در ردیف ۱۹ جدول شماره ۱۶ موضوع تعرفه های جدول شماره ۵ پیوست قانون بودجه ۱۳۹۵ کل کشور تنها هزینه دادرسی مرحله فرجام خواهی به میزان پنج و نیم درصد ارزش خواسته (ذکر «ارزش خواسته» در این جدول از روی سهو بوده است و هزینه دادرسی در مرحله فرجام خواهی بر مبنای «محکوم به» محاسبه می شود) اصلاح و اعلام شده است، ولی با توجه به اینکه در قسمت ج بند ۱۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین هزینه دادرسی فرجام خواهی و اعاده دادرسی و اعتراض ثالث در یک ردیف و یکسان مقرر شده است، در شرایط حاضر نیز باید هزینه اعتراض ثالث را برابر هزینه دادرسی فرجام خواهی بدانیم.

رئیس قوه قضائیه در تاریخ ۴ خرداد ۱۳۹۵ بخشنامه ای تحت عنوان بخشنامه یکنواخت سازی هزینه های دادرسی صادر کردند که در بند ۲ این بخشنامه هزینه دعوای اعتراض ثالث «مطابق هزینه آن در مرحله فرجام خواهی (۵٪ محکوم به)» ذکر شده بود، بعداً در تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۹۵ در بخشنامه اصلاحی این سهو اصلاح و هزینه دادرسی دعوای اعتراض ثالث به میزان پنج و نیم درصد محکوم به اعلام شد. متأسفانه ظاهراً طراح محترم سوال به اصلاحیه بخشنامه مزبور توجه نداشته اند و بر اساس بخشنامه اولیه و اشتباه موجود در آن گزینه ها را مشخص کرده اند و احتمالاً در کلید آزمون گزینه یک صحیح فرض شده است.

۶۹- مالی از محکوم علیه در قبال خواسته توقیف شده است. محکوم له تا چه زمانی و مشروط به کدام شرط، می تواند تقاضای تبدیل مال توقیف شده به مال دیگری را بکند؟

- ۱) تا قبل از شروع به عملیات راجع به فروش - مالی که پیشنهاد می شود، از حیث قیمت و سهولت فروش، از مالی که قبلاً توقیف شده، کمتر نباشد.
- ۲) تا قبل از پایان عملیات راجع به فروش - مالی که پیشنهاد می شود، از حیث قیمت و سهولت فروش، از مالی که قبلاً توقیف شده، کمتر نباشد.

۳) تا قبل از شروع به عملیات راجع به فروش - به صورت غیر مشروط

- ۴) تا قبل از فروش - مالی که پیشنهاد می شود، از حیث قیمت و سهولت فروش، از مالی که قبلاً توقیف شده، کمتر نباشد.

گزینه ۳ صحیح است



سوال از متن ماده ۵۳ [قانون اجرای احکام مدنی](#) طرح شده است:

«هر گاه مالی از محکوم‌علیه در قبال خواسته یا محکوم‌به توقیف شده باشد محکوم‌علیه می‌تواند یکبار تا قبل از شروع بعملیات راجع به فروش درخواست تبدیل مالی را که توقیف شده است بمال دیگری بنماید مشروط بر اینکه مالی که پیشنهاد میشود از حیث قیمت و سهولت فروش از مالی که قبلاً توقیف شده است کمتر نباشد. محکوم‌له نیز می‌تواند یکبار تا قبل از شروع به عملیات راجع بفروش درخواست تبدیل مال توقیف‌شده را بنماید. در صورتیکه محکوم‌علیه یا محکوم‌له به تصمیم قسمت اجرا معترض باشند می‌توانند بدادگاه صادرکننده اجرائیه مراجعه نمایند. تصمیم دادگاه در این مورد قطعی است.»

۷۰- کدام مورد، مشمول مقررات قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ است؟

- (۱) فقط احکام محکومیت مالی صادره از مراجع قضایی، اعم از مراجع حقوقی و کیفری و قرار دستور موقت و تأمین خواسته صادره از مراجع مذکور
- (۲) کلیه احکام صادره از مراجع قضایی بر محکومیت اشخاص به پرداخت هر نوع مال به دیگری، گزارش‌های اصلاحی مراجع قضایی، آرای مدنی تعزیرات حکومتی
- (۳) فقط احکام محکومیت مالی صادره از مراجع قضایی، اعم از مراجع حقوقی و کیفری
- (۴) کلیه محکومیت‌های مالی از جمله دیه، ضرر و زیان ناشی از جرم، رد مال و محکومیت به پرداخت جزای نقدی صادره از کلیه مراجع قضایی

گزینه ۲ صحیح است

طبق مواد یک و ۲۶ [قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴](#) گزینه ۲ صحیح است، گزینه های ۱ و ۳ به جهت اینکه مطلقاً احکام مراجع قضائی را مشمول این قانون دانسته و شامل آراء تعزیرات حکومتی نیست رد می شوند، و گزینه ۴ هم به علت اینکه اجرای محکومیت به پرداخت جزای نقدی که طبق قانون آیین دادرسی کیفری اجرا می شود را شامل می شود مردود است.

[برای پیگیری اخبار آزمون قضاوت در پایگاه خبری اخبار اینجا کلیک کنید](#)

[→ برای عضویت در کانال تلگرام اخبار اینجا کلیک کنید ←](#)

[→ برای عضویت در خبررسان تلگرام اخبار اینجا کلیک کنید ←](#)

[→ برای عضویت و پیگیری صفحه اینستاگرام اخبار اینجا کلیک کنید ←](#)

[→ برای دریافت تازه ترین مطالب، در خبرنامه ایمیلی اخبار عضو شوید ←](#)



به سؤالات زیر مستدلا و به طور واضح و روشن پاسخ دهید. (در مواردی که نظرات مختلفی وجود دارند، به تقریر مستدل حداقل دو نظر بپردازید و سپس رأی برتر را از دیدگاه خود معرفی کنید.)

الف. بارم هر سؤال از این بخش چهار نمره است.

۱. آیا گزارش اصلاحی از اعتبار امر مختوم بها برخوردار است؟ اگر مفاد گزارش مزبور اجبار یک طرف به تغییر دادن محل اقامت خود ظرف دو ماه از تاریخ توافق باشد قابلیت اجرا دارد؟

۲. آیا توقیف و فروش سرقفلی به تقاضای طلبکار امکان پذیر است؟

ب. بارم هر سؤال از این بخش دو نمره است.

۳. گواهی عدم امکان سازش یک هفته پس از ابلاغ آن، تسلیم دفتر طلاق شده است. ذی نفع تا چه مدتی می تواند نسبت به ارائه سایر مدارک تکمیلی و به طور کلی پیگیری امر جهت اجرای صیغه طلاق اقدام کند؟

۴. تفاوت اجرای احکام دادگاهها با اجراء مفاد اسناد رسمی در ثبت؟ (حداقل به چهار تفاوت اشاره شود)

۵. وضعیت کسر اسقاط از حقوق کارمندان را بازای بدهی های مختلف بررسی کنید.



Asansoal.ir

آسان سوال

۱. آقای الف دعوایی به طرفیت آقای ب به خواسته سه میلیون تومان اقامه نموده که منجر به محکومیت ب گردیده، با استدلال بیان نمائید:

اولاً: شیوه استیفاء مبلغ مذکور توسط الف چگونه است؟

ثانیاً: در جهت اجراء حکم «الف» یک عدد النگو که مدعی است متعلق به «ب» است را جهت توقیف معرفی می‌نماید، در هنگام توقیف همسر «ب» مدعی مالکیت النگو می‌شود، تکلیف مامور اجراء چیست و آیا النگو مذکور در راستای اجرای محکوم‌به قابل توقیف می‌باشد یا خیر تحلیل نمائید.

۲. تصحیح و توقیف عملیات اجرایی را توضیح دهید.

۳. چه احکامی علی رغم عدم قطعیت قابل اجراء است؟

۴. اعتراض شخص ثالث به عملیات اجرایی موضوع مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی را تحلیل نمائید (قید حداقل سه نظریه مشورتی اداره حقوقی الزامی است)



۱. شخص «الف» که طراحی چیره‌دست و بی‌نظیر است، متعهد به انجام طراحی داخلی منزل «ب» در قبال مبلغ بیست میلیون تومان می‌گردد. ولی متعاقباً از اجرای تعهدات خود سرباز می‌زند. شخص «الف» در شعبه‌ی دوم دادگاه عمومی شیراز، متعاقب دعوی الزام به انجام تعهد شخص «ب» محکوم می‌گردد و متعاقب تجدیدنظرخواهی نامبرده نهایتاً حکم صادره در شعبه دهم دادگاه تجدیدنظر استان فارس قطعیت می‌یابد. با توجه به فرض مساله به دو پرسش ذیل پاسخ دهید. (۴نمره)

الف. در صورتی که این حکم بخواهد به نحو قهری اجرا شود، نحوه‌ی اجرای حکم را به اختصار توضیح دهید.

ب. اگر در صدور اجراییه اشتباهی شده باشد، مرجع اصلاح آن کدام دادگاه است؟ مرجع رسیدگی به درخواست رفع ابهام از مفاد حکم کدام دادگاه است؟

۲. «الف» دعوایی به خواسته مطالبه‌ی وجه ده میلیون تومان علیه «ب» در شعبه‌ی ۹ دادگاه عمومی مشهد اقامه و حکم به محکومیت «ب» صادر می‌شود و این دادنامه در شعبه‌ی ۱۳ تجدیدنظر استان خراسان قطعیت می‌یابد. برای اجرای این حکم، در فروض ذیل به چه نحو اقدام خواهد شد؟ (۳نمره)

الف. محکوم علیه مبلغ ۵ میلیون تومان از شخص «ج» طلبکار است ولی «ج» منکر وجود این دین است.

ب. یک دستگاه کمپرسی در جلوی منزل محکوم علیه به عنوان مال محکوم علیه به داورز معرفی می‌شود.

ج. محکوم علیه به موجب سند عادی مالک ملکی است که فاقد سابقه ثبتی می‌باشد.

۳. حکم تخلیه‌ی مشاعی ملکی به نفع «الف» که مالک ۲ دانگ آن می‌باشد، علیه «ب» که مالک ۴ دانگ دیگر است در شعبه ۹ دادگاه عمومی تهران صادر و این رأی در شعبه‌ی ۱۳ تجدیدنظر قطعیت می‌یابد، با توجه به فرض مساله: (۳نمره)

الف. نحوه‌ی اجرای حکم صادره، به چه صورت خواهد بود؟

ب. تصرف ثالث در هنگام اجرای حکم، چه تاثیری بر روند اجرا خواهد داشت؟

ج. ثالث در صورت ادعای حق چه اقدامی و در چه مرجعی می‌تواند انجام دهد؟

۴. نحوه اقدام برای اعتراض ثالث اجرایی و ماهیت اقدام دادگاه را در این مورد بنویسید، آیا این تصمیم قابل تجدیدنظر است؟ (۲/۵نمره)

۵. در صورتی که در گزارش اصلاحی عین منفعت یا امتیازی به ثالث اعطا گردد، وی می‌تواند تقاضای اجرای حکم نماید؟ (۵/۱نمره)



۱- هیچ حکمی را نمی توان اجرا نمود مگر آنکه :

۱. قطعی شده باشد.
۲. دادنامه به طرفین یا وکیل آنها ابلاغ شده باشد.
۳. محکوم له تقاضای اجرای آن را نموده باشد.
۴. هر سه مورد

۲- حکم تجویز انتقال منافع :

۱. با ارسال رونوشت رای به دفتر اسناد رسمی اجرا می گردد.
۲. با صدور اجراییه و رعایت تمامی شرایط قانونی اجرا می گردد.
۳. با ارسال دستور دادگاه به اداره ثبت محل یا دفتر اسناد رسمی حسب مورد اجرا می گردد.
۴. هیچ کدام

۳- حکم تمکین.....

۱. قابلیت اجرا ندارد.
۲. با تعیین وجه التزام اجرا می گردد.
۳. در صورت عدم اجرای اختیاری قهرا اجرا می گردد.
۴. قابلیت اجرا ندارد ولی حکم محکومیت زوج به انجام وظایف خاص زناشویی قابل اجراست.

۴- اگر محکوم علیه بعد از ابلاغ اجرائیه فوت کند:

۱. اجرائیه باید به ورثه ابلاغ شود.
۲. اجرائیه بدون ابلاغ به ورثه ، اجرا می شود.
۳. مفاد اجرائیه یک نوبت آگهی می شود.
۴. مفاد اجرائیه باید بوسیله اخطاریه به ورثه او اطلاع داده شود.

۵- چنانچه به علت اشتباه در صدور اجرائیه، اموال محکوم علیه بیش از میزان محکوم به مقرر در حکم بازداشت شده باشد جهت رفع بازداشت از آن می بایست:

۱. محکوم علیه بدون هیچگونه تشریفات و هزینه ای به همان دادگاه مراجعه و به دستور دادگاه اموال آزاد می گردد و اجرائیه اصلاح می شود.
۲. محکوم علیه دعوای اصلاح اجرائیه و آزادی اموال در همان دادگاه اقامه می نماید و دادگاه خارج از نوبت رسیدگی و اقدام می نماید.
۳. مدیر اجراء اموال را آزاد و اجرائیه را اصلاح می نماید.
۴. چون دادگاه با صدور حکم و اجرائیه از رسیدگی فارغ شده است این امر در صلاحیت مرجع تجدید نظر است که محکوم علیه می بایست درخواست رسیدگی نماید.



۶- هزینه اجرا:

۱. از دولت اخذ نمی‌شود.
۲. از دولت اخذ ولی از نهادهای عمومی اخذ نمی‌شود.
۳. از نهادهای عمومی اخذ ولی از دولت اخذ نمی‌شود.
۴. در اجرای آرای هیئت‌های حل اختلاف کارگر و کارفرما اخذ نمی‌شود

۷- اختلافات ناشی از اجرای احکام راجع به دادگاهی است که:

۱. اجرائیه توسط آن صادر شده ، حتی اگر اختلاف راجع به مفاد حکم باشد.
۲. حکم توسط آن اجرا می شود ، حتی اگر اختلاف راجع به مفاد حکم باشد.
۳. حکم توسط آن اجرا می شود ، به استثناء اختلافات راجع به مفاد حکم که در صلاحیت دادگاه صادر کننده حکم است.
۴. اجرائیه توسط آن صادر شده به استثناء اختلافات راجع به مفاد حکم که در صلاحیت دادگاهی است که حکم توسط آن اجراء می شود.

۸- آیا امکان بازداشت محکوم‌علیه روحانی در راستای اجرای ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی وجود دارد؟

۱. خیر امکان پذیر نیست زیرا بازداشت روحانی در صلاحیت دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت است.
۲. در صورت اذن قبلی از دادگاه ویژه روحانیت، ممکن است.
۳. پرونده با قرار عدم صلاحیت به دادسرای ویژه روحانیت ارسال می‌گردد.
۴. بله امکان پذیر است.

۹- در اعاده به وضع سابق در صورت عدم وجود عین مال:

۱. قیمت زمان اجرا تعیین می‌گردد.
۲. قیمت روز آن تعیین می‌گردد.
۳. برای قیمت نیاز به طرح دعوای مستقل است.
۴. می‌بایست با رعایت تشریفات دعوای خسارت مطرح شود.

۱۰- در خصوص اجرای محکوم به عین و محکوم به دین کدام گزینه صحیح است؟

۱. اگر عین باشد ، فوت محکوم علیه تأثیری در اجرای حکم نمی گذارد ولی اگر دین باشد ، حکم صادره نسبت به ماترک قابل اجرا نیست.
۲. در محکوم به عین ، حکم فقط علیه محکوم علیه قابل اجرا است و اگر در تصرف غیر باشد ، حکم قابل اجرا نیست.
۳. اگر محکوم به عین باشد ، در ید هر کس که باشد ، اصولاً حکم اجرامی شود .
۴. اگر عین باشد با تلف آن حقی برای محکوم له باقی نمی ماند ولی اگر دین باشد حق او محفوظ می ماند.



۱۱- در حکم خلع ید صادره به نفع یکی از شرکای ملک مشاع ، به ضرر شریک دیگر ، اجرای حکم به چه نحو خواهد بود؟

۱. از تمام ملک خلع ید می شود ولی به تصرف محکوم له داده نمی شود.
۲. به محکوم له اخطار می شود که به ازای هر روز تأخیر در اجرای حکم مبلغی پرداخت کند
۳. حکم اجرا نمی شود مگر اینکه محکوم له سهم خود را افراز کند.
۴. محکوم له در قسمتی از ملک مستقر می شود.

۱۲- فروش ملک مشاع:

۱. نیاز به رسیدگی و اصدار حکم دارد.
۲. با دستور موقت امکان پذیر است.
۳. با دستور فروش دادگاه ممکن است.
۴. فروش ملک مشاع بدون رضایت تمامی مالکین ممکن نیست.

۱۳- در گواهی عدم امکان سازش سایر حقوق نظیر مهریه و نفقه تعیین می شود آیا بر مبنای نظریه اتفاقی قضات، در این موارد زوجه حق اجرا دارد؟

۱. بله در هر حال ممکن است.
۲. خیر، ممکن نیست و نیاز به طرح دعوای مستقل دارد.
۳. نسبت به مهریه ممکن و نسبت به نفقه امکان پذیر نیست.
۴. نسبت به نفقه ممکن و نسبت به مهریه ممکن نیست.

۱۴- کسر حقوق از کارمند برای اجرای محکوم به مالی:

۱. بدون رضایت کارمند و افراد تحت سرپرستی اش ممکن نیست زیرا جزء مستثنیات دین است.
۲. همیشه به میزان یک چهارم از حقوق ممکن است.
۳. در صورت رضایت کارمند به هر میزانی امکان پذیر است.
۴. افراد تحت سرپرستی کارمند حق استناد به مستثنیات دین در این خصوص دارند.

۱۵- بازداشت کننده مقدم در بازداشت ملک علیه تاجر:

۱. شخصی است که دستور بازداشت ملک وی به نفع وی زودتر صادر شده باشد
۲. شخصی است که برگ لازم الاجرای صادره به نفع وی اجرائیه دادگاه باشد و نه قرار تأمین خواسته و یا اجرائیه ثبت
۳. شخصی است که دستور بازداشت ملک به نفع وی زودتر به اداره ثبت واصل شده است.
۴. اصولاً در صورت تعدد اموال مدیون تاجر تقسیم به نسبت می شود.



۱۶- آیا سرقفلی و حق کسب و پیشه قابل بازداشت است؟

۱. خیر چون امکان بازداشت آن وجود ندارد.
۲. خیر چون انتقال آن منوط به رضایت مالک است.
۳. بله چون مال است.
۴. سرقفلی قابل بازداشت است ولی حق کسب و پیشه خیر

۱۷- مأمور اجرا در صورتی می تواند مال منقولی که در تصرف شخصی غیر از محکوم علیه باشد را به عنوان مال محکوم علیه توقیف نماید که:

۱. متصرف، خود یا دیگری را مالک آن معرفی ننماید.
۲. شواهد کافی بر مالکیت محکوم علیه موجود باشد.
۳. قرائن کافی بر مالکیت محکوم علیه موجود باشد.
۴. دلائل کافی بر مالکیت محکوم علیه موجود باشد.

۱۸- چنانچه اجرائیه علیه زوج صادر شده باشد و محکوم له مأمور اجراء را جهت بازداشت سکه های طلای موجود در محل سکونت محکوم علیه به محل هدایت نماید:

۱. سکه های طلای مورد بحث متعلق به محکوم علیه (زوج) محسوب و تماماً قابل بازداشت است.
۲. سکه های طلای مورد بحث مال مشترک محسوب می شود و نیمی از آن قابل بازداشت است.
۳. سکه های طلای مورد بحث متعلق به زوجه محکوم علیه محسوب و غیر قابل بازداشت است.
۴. اصولاً هدایت مأمور اجراء به محل سکونت زوجین خلاف قانون و ممنوع است.

۱۹- اموال منقولی که در محل کار یا سکونت محکوم علیه موجود است.

۱. منحصرأ در صورتی با رعایت سایر مقررات قابل بازداشت است که دلایل و قرائن کافی بر مالکیت محکوم علیه ارائه شود.
۲. اموال منقول مزبور نظر به اینکه از مستثنیات دین تلقی می شود در هیچ صورتی قابل بازداشت نمی باشد.
۳. اموال منقول مزبور در صورتی قابل بازداشت است که محکوم علیه موافقت نماید.
۴. با رعایت سایر مقررات قابل بازداشت است.

۲۰- کدام یک مستثنیات دین است؟

۱. تاکسی
۲. تلفن همراه
۳. حساب پس انداز
۴. یخچال واقع در محل کار

۲۱- در جریان بازداشت اموال منقول در صورت عدم دسترسی به ارزیاب:

۱. قیمت اموال را مأمور اجرا تعیین می نماید.
۲. قیمت اموال را رئیس دادگاه تعیین می نماید.
۳. قیمت اموال را محکوم له تعیین می نماید.
۴. اموال بازداشت ، اما ارزیابی به زمان دسترسی به ارزیاب موکول می گردد.



۲۲- در خصوص حافظ کدام گزینه صحیح است؟

۱. تعیین حافظ با دادورز و تغییر آن با دادگاه است.
۲. تعیین و تغییر حافظ هر دو در صلاحیت دادورز است.
۳. تعیین و تغییر حافظ هر دو توسط دادگاه مجری حکم انجام می‌شود.
۴. تعیین و تغییر حافظ هر دو توسط دادگاه صادرکننده حکم انجام می‌شود.

۲۳- اگر ثالث بر خلاف واقع منکر وجود مال محکوم‌علیه نزد خود شد

۱. با دستور دادورز اموال دیگر وی بازداشت می‌گردد.
۲. با دستور دادگاه مجری حکم اموال دیگر وی بازداشت می‌گردد.
۳. محکوم‌له حق طرح هیچ ادعایی علیه ثالث ندارد.
۴. محکوم له می‌تواند بر علیه ثالث دعوی خسارت مطرح کند.

۲۴- جهت بازداشت مال غیر منقول ثبت شده:

۱. کفایت که دستور بازداشت در اداره ثبت محل وقوع ملک، ثبت گردد.
۲. علاوه بر اعمال دستور بازداشت در اداره ثبت، ملک باید به حافظ سپرده شود.
۳. علاوه بر اعمال دستور بازداشت در اداره ثبت، محکوم علیه باید از ملک خلع ید شود.
۴. علاوه بر اعمال دستور بازداشت در اداره ثبت مراتب باید در روزنامه آگهی شود.

۲۵- چنانچه اجرائیه صادر و تعقیب نشود پس از چه مدت از آخرین اقدام تعقیبی اعتبار آن ساقط می‌شود.

۱. دو سال.
۲. پنج سال.
۳. ده سال.
۴. تا هر مدت به طول انجامد معتبر است.

۲۶- در صورتی که نسبت به اموال منقول بازداشت شده شخص ثالثی ادعای مالکیت نماید مأمور اجرا در صورتی می‌تواند اموال را آزاد نماید که :

۱. ادعای شخص ثالث مستند به سند رسمی یا حکم قطعی دادگاه باشد که تاریخ آن مقدم بر تاریخ توقیف است.
۲. ادعای شخص ثالث مستند به سند رسمی یا حکم قطعی دادگاه باشد.
۳. در هیچ صورتی مأمور اجرا حق دخالت در این خصوص را ندارد.
۴. در هر صورتی که مأمور اجرا به هر دلیلی احراز نماید که مال متعلق به شخص ثالث است.



۲۷- در اعتراض ثالث اجرایی:

۱. بدون تشکیل جلسه امکان اخذ تصمیم وجود دارد.
۲. نیاز به رسیدگی و استماع اظهارات طرفین دارد.
۳. توقیف عملیات اجرا نسبت به کل در صورت اعتراض به جزیی از آن بنا به صلاح دید دادگاه ممکن است.
۴. مرجع رسیدگی، دادگاه صادرکننده حکم قطعی است.

۲۸- در اجرای احکام خارجی، مرجع تقاضای اجرا.....

۱. دادگاه صادرکننده حکم است.
۲. دادگاه محل اقامت محکوم علیه در ایران است.
۳. دادگاه عمومی تهران است.
۴. دادگاه محل اقامت محکوم له است.

۲۹- احکام دادگاههای دادگستری علی الاصول وقتی به موقع اجرا گذارده می شوند که:

۱. به محض صدور حکم، قابل اجرا هستند.
۲. قطعی شده باشند.
۳. پس از موافقت رئیس کل دادگستری استان قابل اجرا هستند.
۴. نهایی شده باشند.

۳۰- در کدام مورد نیاز به صدور اجرائیه است؟

۱. حکم قطعی مبنی بر بطلان بیع موضوع بیع نامه عادی.
۲. حکم اثبات وقفیت.
۳. حکم به بطلان دعوا
۴. هیچکدام



۱- اگر در دعوای حقوقی طرفین با یکدیگر سازش نموده باشند و حقوقی برای طرفین و ثالث پیش‌بینی نمایند، بنا به عقیده اکثریت در رویه قضایی

۱. ثالث از حق درخواست صدور اجراییه برخوردار می‌باشد.
۲. ثالث حق درخواست صدور اجراییه را ندارد.
۳. خواننده دعوا استثنائاً از حق درخواست صدور اجراییه برخوردار است.
۴. حق درخواست اجراییه صرفاً اختصاص به خواهان دارد.

۲- اجرای حکم علیه بنیاد مستضعفان

۱. مقید به رعایت تشریفات خاص خود می‌باشد.
۲. مقید به رعایت تشریفات اجرای احکام علیه ادارات دولتی است.
۳. مقید به رعایت تشریفات قانون تشکیل بنیاد مستضعفان است.
۴. مقید به تشریفات خاصی نیست و برابر قانون اجرای احکام مدنی اجرا می‌شود.

۳- وصول مابه‌التفاوت دستمزد کارشناسی

۱. نیازمند صدور اجراییه است.
۲. فقط در دو مورد خاص نیاز به صدور اجراییه دارد.
۳. نیازی به صدور اجراییه ندارد.
۴. هیچ‌گاه مطرح نمی‌گردد چون دادگاه باید به میزان قطعی دستمزد را تعیین کند.

۴- کدام یک از احکام زیر نیاز به صدور اجراییه ندارد؟

۱. خلع ید
۲. تخلیه
۳. ابطال سند رسمی
۴. الزام به تنظیم سند رسمی

۵- احکام قطعی حقوقی

۱. مشمول مرور زمان نمی‌شوند.
۲. مشمول مرور زمان ده ساله اند.
۳. مشمول مرور زمان بیست ساله اند.
۴. مشمول مرور زمان بعضاً ده ساله و بعضاً بیست ساله اند.

۶- حکم به دیه ضمن رای کیفری

۱. همانند حکم به رد عین است.
۲. همانند حکم به پرداخت قیمت مال است.
۳. همانند حکم به پرداخت قیمت یا مثل مال است.
۴. هیچکدام



۷- تنظیم سند انتقال ملک به نام خریدار مزایده

۱. ملازمه با تحویل ملک به وی دارد.
۲. ملازمه با تخلیه آن توسط دادورز دارد.
۳. ملازمه با تخلیه ملک و تحویل آن به خریدار توسط مجری حکم دارد.
۴. ملازمه با هیچ کدام از گزینه های ۱ تا ۳ ندارد.

۸- اگر اجرائیه علیه یکی از سهام داران شرکت تجاری صادر شده باشد، حکم در خصوص اموال شرکت قابل اجراست؟

۱. بله، در صورتی که شرکت از نوع تضامنی باشد.
۲. بله، در صورتی که شرکت از نوع سهامی باشد.
۳. بله، در هر حال قابل اجراست.
۴. خیر، در هر حال قابل اجرا نیست.

۹- اختلافات راجع به مفاد حکم و اختلافات مربوط به اجرای احکام که از اجمال یا ابهام حکم یا محکوم به، ناشی می شود

۱. به ترتیب در دادگاهی که حکم را صادر کرده و دادگاهی که حکم توسط آن اجرا می شود، رسیدگی می گردد.
۲. در دادگاهی که حکم را صادر کرده، رسیدگی می شود.
۳. در دادگاه نخستین رسیدگی می شود.
۴. در دادگاهی که حکم قطعی را صادر کرده، رسیدگی می شود.

۱۰- رسیدگی به رفع اختلاف در مفاد حکم

۱. موجب تاخیر اجرای حکم است.
۲. باید در جلسه ای که وقت آن به طرفین ابلاغ شده، صورت گیرد.
۳. ممکن است در جلسه ای که وقت آن به طرفین ابلاغ شده، انجام گیرد.
۴. محتاج تقدیم دادخواست است.

۱۱- در مورد اجرائیه های کارگری

۱. نیم عشر تعلق می گیرد.
۲. نیم عشر تعلق نمی گیرد.
۳. پرداخت حق اجرا سقف مشخصی دارد.
۴. هزینه اجرا متناسب با بار مالی اجرائیه های مزبور است.

۱۲- آیا حکم بفروش و تجویز انتقال منافع به غیر نیاز به صدور اجرائیه دارد؟

۱. دارد.
۲. ندارد.
۳. حکم به فروش دارد ولی انتقال منافع به غیر ندارد.
۴. حکم به فروش ندارد ولی انتقال منافع به غیر دارد.



۱۳- اعاده عملیات اجرایی

۱. منوط به صدور اجراییه است.
۲. از جمله زمانی است که فسخ حکم، نهایی گردد.
۳. محتاج تقدیم دادخواست است.
۴. فقط زمانی است که نقض حکم، نهایی گردد.

۱۴- در حکم خلع ید صادره به نفع یکی از شرکای ملک مشاع، به ضرر شریک دیگر، اجرای حکم به چه نحو خواهد بود؟

۱. از تمام ملک خلع ید می شود ولی به تصرف محکوم له داده نمی شود.
۲. به محکوم له اخطار می شود که به ازای هر روز تأخیر در اجرای حکم مبلغی پرداخت کند.
۳. حکم اجرا نمی شود مگر اینکه محکوم له سهم خود را افراز کند.
۴. محکوم له در قسمتی از ملک مستقر می شود.

۱۵- بنا بر عقیده اکثریت در رویه قضایی، پس از صدور حکم و قطعی شدن آن، دخالت نماینده غیر وکیل دادگستری برای اجرای حکم

۱. در هر حال، مخالف روح قانون است.
۲. در هر حال، منعی ندارد.
۳. پس از صدور اجراییه، منعی ندارد.
۴. فقط در عملیات مزایده امکان دارد.

۱۶- اگر عین محکوم به در تصرف شخصی غیر از محکوم علیه باشد

۱. این موضوع مانع اجرا است.
۲. متصرف باید ظرف یک هفته از مراجعه به دادگاه، قرار تأخیر اجرای حکم را بیاورد.
۳. متصرف می بایست به دادگاه مجری حکم مراجعه نماید.
۴. متصرف امکان متوقف کردن عملیات اجرا را دارد.

۱۷- در اجرای حکم به پرداخت ده هزار دلار

۱. ملاک اجرا، قیمت رسمی زمان تقدیم دادخواست است.
۲. ملاک اجرا، قیمت بازار آزاد زمان تقدیم دادخواست است.
۳. ملاک اجرا، قیمت تقویمی ارز مورد حکم قرار گرفته، است.
۴. ملاک اجرا، قیمت ارز به نرخ روز در زمان اجرای حکم است.



۱۸- در اجرای قرارهای تأمین خواسته یا اجرای احکام آیا مطالبات شرکت‌ها قابل توقیف اند؟

۱. وجوه مربوط به صورت وضعیت، قابل بازداشت است.
۲. وجه تودיעی بابت ضمانت حسن انجام کار، قابل بازداشت است.
۳. ضمانت‌نامه بانکی، قابل بازداشت است.
۴. هیچ‌کدام قابل بازداشت نیستند.

۱۹- اجرای حکم علیه سازمان‌های وابسته به شهرداری

۱. همانند اجرای احکام بر علیه شهرداری‌هاست.
۲. در صورتی همانند اجرای احکام علیه شهرداری‌هاست که اکثریت سرمایه آنها متعلق به شهرداری باشد.
۳. در صورتی همانند اجرای احکام علیه شهرداری‌هاست که تمامی سرمایه آنها متعلق به شهرداری باشد.
۴. در هر حال همانند اجرای احکام علیه شهرداری‌ها نیست.

۲۰- بازداشت مال منقولی که در محل سکونت و کار محکوم‌علیه باشد

۱. در صورتی ممکن است که دلایل و قرائن کافی بر مالکیت او ارائه شود.
۲. ممکن است.
۳. ممکن نیست.
۴. فقط در صورتی ممکن است که سند رسمی یا حکم قطعی مبنی بر مالکیت او ارائه شود.

۲۱- تشخیص این که اموال منقول موجود در محل سکونای زوجین مورد استفاده اختصاصی کدامیک از آن دو است؟

۱. با قاضی صادر کننده حکم بدوی است.
۲. با کارشناس رسمی دادگستری در رشته مربوط است.
۳. با مأمور اجرای مربوط است.
۴. با دادگاه صادر کننده حکم قطعی است.

۲۲- در مورد تعیین و تغییر حافظ

۱. تعیین وی به وسیله دادورز و تغییر آن باید به تصویب دادگاه برسد.
۲. تعیین و تغییر وی از اختیارات دادورز است.
۳. تعیین و تغییر وی از اختیارات دادگاه است.
۴. تعیین وی به وسیله دادگاه و تغییر وی توسط دادورز انجام می‌پذیرد.



۲۳- در باب توقیف حقوق و مزایا در راستای اجرای حکم

۱. بازداشت حقوق بازنشستگی، فقط به میزان یک سوم ممکن است.
۲. بازداشت حقوق، فقط به میزان یک چهارم ممکن است.
۳. حقوق و مزایای نظامیان حتی زمانی که در جنگ نیستند، قابل بازداشت نیست.
۴. بازنشستگان شرکت نفت تابع قانون اجرای احکامند و نه مواد ۵۶ و ۵۷ اساسنامه شرکت نفت.

۲۴- آیا در مرحله اجرای حکم، می توان ملک یا محوطه و ساختمان محکوم علیه را بازداشت کرد؟

۱. بله، حتی اگر دارای سند عادی باشد.
۲. بله به شرط اینکه سند رسمی داشته باشد.
۳. خیر، در هر حال قابل بازداشت نیست.
۴. خیر، فقط وقتی ممکن است که قبلاً دادگاه در خصوص مالکیت محکوم علیه تصمیم گرفته باشد.

۲۵- توقیف مال غیرمنقول

۱. ملازمه با بازداشت منافع آن ندارد.
۲. ممکن نیست وقتی منافع دو ساله ملک برای ادای محکوم به کافیت.
۳. ممکن نیست وقتی منافع یک ساله ملک برای ادای محکوم به کافیت.
۴. در راستای اجرای حکم در صورت وجود اموال منقول کافی، ممکن نیست.

۲۶- صاحب مال در جریان مزایده اموالش

۱. حق مداخله به هیچ نحو ندارد.
۲. می تواند تقاضا کند اموال او را مقدم یا موخر بفروشند.
۳. برای یکبار با استمهال، حق جلوگیری از فروش اموالش را دارد.
۴. می تواند تقاضا کند که به فرد خاصی فروخته نشود.

۲۷- حق اجرا

۱. از ورشکسته قبل از تصفیه از جوهری که در صندوق دادگستری دارد، برداشت می گردد.
۲. در کلیه دعاوی پنج درصد محکوم به است.
۳. در کلیه دعاوی مالی پنج درصد محکوم به است.
۴. در صورت اجرای اختیاری، اخذ نمی شود.



۲۸- برای اجرای حکم قطعی

۱. همیشه ابلاغ لازم است.
۲. اگر حکم حضوری بوده، علی‌القاعده ابلاغ لازم نیست.
۳. در صورتی ابلاغ لازم نیست که حکم نهایی شده باشد.
۴. در صورتی ابلاغ لازم است که حکم نهایی نشده باشد.

۲۹- با صدور حکم قطعی مبنی تخلیه محل کسب و پرداخت حق کسب یا پیشه از سوی محکوم له، اجراییه

۱. در صورت درخواست محکوم له، صادر و پس از گذشت ده روز از ابلاغ به محکوم علیه (و برگشت نسخه ثانی به دفتر دادگاه)، قابل اجراست.
۲. در صورت درخواست محکوم له، فقط پس از پایان مهلت دو ماه برای تخلیه می تواند صادر شود.
۳. در صورت درخواست محکوم له، صادر اما اجرای آن موکول به گذشت مهلت دو ماه برای تخلیه است.
۴. صادر و با برگشت نسخه ثانی ابلاغیه به دفتر دادگاه، حکم قابل اجراست.

۳۰- اگر محکوم علیه قبل از ابلاغ اجراییه فوت کند

۱. اجراییه باید به ورثه ابلاغ شود.
۲. اجراییه بدون ابلاغ به ورثه، اجرا می شود.
۳. مفاد اجراییه یک نوبت آگهی می شود.
۴. مفاد اجراییه باید بوسیله اختاریه به ورثه اطلاع داده شود.



Asansoal.ir

آسان سوال

وضعیت کلید					پاسخ صحیح				د	ج	ب	الف	شماره سوال
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	ب								۱
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	د								۲
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	ج								۳
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	ج								۴
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	الف								۵
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	د								۶
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	د								۷
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	د								۸
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	ب								۹
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	ج								۱۰
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	ب								۱۱
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	ج								۱۲
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	ب								۱۳
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	الف								۱۴
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	ج								۱۵
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	د								۱۶
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	د								۱۷
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	الف								۱۸
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	د								۱۹
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	ب								۲۰
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	ج								۲۱
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	الف								۲۲
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	د								۲۳
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	الف								۲۴
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	الف								۲۵
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	ب								۲۶
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	د								۲۷
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	الف								۲۸
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	ب								۲۹
عادي	عادي	عادي	عادي	عادي	الف								۳۰



۱- اجرای احکام در معنی عام با کدام گزینه ارتباط دارد؟

۱. اجرای احکام ، دستور، قرارها
۲. اجرای مدلول حکم
۳. ابلاغ اوراق قضایی
۴. هیچکدام

۲- کدام یک جهت رد دادورز نمی باشد؟

۱. امر اجرا راجع به همسر دادورز باشد.
۲. وجود دعوای مدنی یا کیفری بین طرفین و فرزند دادورز.
۳. دادورز کفیل یکی از طرفین باشد.
۴. دادورز وصی یکی از طرفین باشد.

۳- گزینه غلط در خصوص شرایط و نحوه اجرای احکام کدام است؟

۱. صدور اجراییه
۲. قطعیت حکم
۳. درخواست صدور اجراییه در احکام و قرارها
۴. ابلاغ اجراییه

۴- تصریح قانون آیین دادرسی مدنی در خصوص اجرای موقت احکام چیست؟

۱. تشدید
۲. سکوت
۳. نسبت به گذشته بدون تغییر مانده است.
۴. هیچکدام

۵- اگر اجراییه ای برای مدت ۵ سال تعقیب نشود؟

۱. مشمول مرور زمان می شود.
۲. بلااثر می شود.
۳. باز هم قابل اجراست.
۴. هزینه مجدد از اخذ می گردد.

۶- اگر حافظ از تسلیم مال توقیف شده، امتناع نماید؟

۱. معادل ارزش مال توقیف شده از اموال حافظ استیفا می شود.
۲. محکوم له باید علیه حافظ اقامه دعوای استرداد نماید.
۳. محکوم له باید علیه حافظ اقامه دعوای خسارت نماید.
۴. محکوم علیه باید علیه حافظ اقامه دعوای خسارت نماید.

۷- در صورتی که مال بازداشت شده برای استیفای محکوم به کافی باشد،

۱. بازداشت حقوق مستخدم موقوف می شود.
۲. تا زمان وصول کامل محکوم به، بازداشت حقوق مستخدم ادامه می یابد.
۳. بازداشت حقوق مستخدم از یک سوم به یک چهارم تقلیل می یابد.
۴. بازداشت حقوق مستخدم از یک سوم به یک پنجم تقلیل می یابد.



۸- هنگامی که طی حکم دادگاه اداره ثبت می بایست سندی را ابطال نماید ...

۱. صدور اجراییه لازم است.
۲. نیازی به صدور اجراییه نیست.
۳. در هر صورت تمامی آرا نیازمند صدور اجراییه هستند.
۴. تنها به درخواست ذینفع اجراییه صادر میشود.

۹- قلع بنا در اجرای حکم رفع تصرف عدوانی،

۱. همواره ممکن است.
۲. ممکن نیست.
۳. فقط در صورتی ممکن است که مورد صدور حکم قرار گرفته باشد.
۴. در صورتی ممکن است که مورد صدور حکم قرار گرفته باشد یا ملازمه با اجرا داشته باشد.

۱۰- در صورتی که در دادگاه نخستین، در دعوی الزام به تنظیم سند رسمی، حکم به بی حقی صادر شده باشد ولی در دادگاه تجدیدنظر این حکم نقض و حکم به نفع خواهان صادر گردد. صدور اجراییه با کدام دادگاه است؟

۱. دادگاه تجدید نظر
۲. رییس مجتمع
۳. دادگاه نخستین
۴. شعبه مجری حکم

۱۱- در بازداشت مال غیرمنقول شش دانگ،

۱. کل ملک برای اجرای محکوم به بازداشت می گردد.
۲. مقدار مشاعی از ملک معادل محکوم به و هزینه های اجرا برای اجرای محکوم به بازداشت می گردد.
۳. میزان بازداشت بنا به تصمیم دادورز است.
۴. میزان بازداشت بنا به تصمیم دادگاه است.

۱۲- تغییر حافظ

۱. بنا به تصمیم دادورز است.
۲. بنا به تصمیم مدیر اجرا است.
۳. منوط به پیشنهاد دادورز و تصویب مدیر اجرا است.
۴. منوط به تصویب دادگاه است.

۱۳- درخواست اصلاح صدور اجراییه زمانی که در آن اشتباهی باشد با کیست؟

۱. تنها خواهان
۲. تنها خوانده
۳. هر یک از طرفین
۴. تنها دادگاه راسا

۱۴- کدام یک از احکام ذیل علی رغم قطعت قابل اجرا نیست؟

۱. وصیت نامه
۲. اعتراض به ثبت
۳. اصل نکاح
۴. حکم راجع به میزان سهم الارث در ادارات ثبت



۱۵- طی حکمی ب و ۲ برادر وی مکلفند مفاد حکمی را به اجرا گذارند. حال نیازمند چند صدور چند برگ اجراییه می باشیم؟

۴. ۵ عدد

۳. ۳ عدد

۲. ۶ عدد

۱. ۴ عدد

۱۶- اجرای حکم دیه به تبع امر کیفری،

۱. حق اجرا ندارد.

۲. با توجه به ماهیت حقوقی دیه، حق اجرا معادل دعوای حقوقی دارد.

۳. با توجه به ماهیت حقوقی دیه، حق اجرا معادل دعوای غیرمالی دارد.

۴. به طور مقطوع بیست هزار ریال است.

۱۷- دستور احراز صحت مزایده

۱. قطعی است.

۲. ظرف ۱۰ روز قابل اعتراض در همان دادگاه است.

۳. ظرف ۲۰ روز قابل تجدیدنظر است.

۴. ظرف ۱۰ روز قابل تجدیدنظر است.

۱۸- اجرای حکم فسخ نکاح ...

۱. نیازی به صدور اجراییه ندارد.

۲. اگر طرفین بالغ باشند، نیازی صدور اجراییه نیست.

۳. اگر طرفین بالغ باشند، صدور اجراییه الزامی است.

۴. تنها نسبت به صغار، صدور اجراییه اجباری است.

۱۹- بازداشت منزل محکوم علیه که دارای سند عادی و بدون سابقه ثبتی باشد ممکن است؟

۱. بله

۲. خیر

۳. کسب رضایت وی الزامی است.

۴. هیچکدام

۲۰- آیا قانون توقف اموال شهرداری ها شامل سازمانهای تابع شهرداری نیز می شود؟

۱. بله

۲. بله اگر ۱۰۰ درصد تابع شهرداری باشد.

۳. بله اگر بیش از ۶۰ درصد تابع شهرداری باشد.

۴. خیر

۲۱- گزینه غلط در موارد رفع توقیف کدام است؟

۱. توافقی طرفین با سازش نامه

۲. نقض حکم در اثر فرجام خواهی

۳. نقض حکم در اثر تجدیدنظر

۴. نقض حکم با اعاده دادرسی

۲۲- هنگامی که محکوم علیه حضور ندارد، مامور اجرا همراه چه کسی اقدام می نماید؟

۱. نماینده دادستان

۲. قائم مقام طرفین

۳. قائم مقام خوانده

۴. ۲ شاهد



۲۳- با عدم توافق طرفین در تعیین کارشناس ارزیاب اموال منقول، انتخاب کارشناس با کیست؟

۱. دادگاه
۲. مامور اجرا
۳. دادستان یا نماینده وی
۴. تمام موارد

۲۴- مال منقول در تصرف غیرمحکوم علیه

۱. قابل بازداشت است.
۲. در صورتی قابل بازداشت است که آن را متعلق به دیگری معرفی ننماید ولی ادعای خود وی مسموع نیست.
۳. در صورتی قابل بازداشت است که خود وی ادعا نداشته باشد ولی تعلق به دیگری مانع بازداشت نیست.
۴. در صورتی قابل بازداشت است که خود وی ادعا نداشته باشد و ادعای تعلق به دیگری نیز ننماید.

۲۵- توقیف مال غیر منقول شامل منافع آن.....

۱. می گردد.
۲. می گردد، اگر که منافع تباه شدنی نباشند.
۳. می گردد، اگر که منافع ضایع شدنی باشند.
۴. نمی گردد.

۲۶- اختلافات ناشی از اجرای حکم

۱. راجع به دادگاهی است که حکم را صادر نموده است.
۲. راجع به دادگاهی است که حکم را اجرا می نماید.
۳. راجع به دادگاهی است که حکم قطعی را صادر نموده است.
۴. راجع به دادورز است.

۲۷- توقیف حقوق وظیفه افراد، به چه میزان ممکن است؟

۱. یک چهارم، مشروط بر اینکه دین متعلق به وظیفه بگیر باشد.
۲. یک چهارم، مشروط بر اینکه دین متعلق به بازنشسته باشد.
۳. یک سوم، مشروط بر اینکه دین متعلق به وظیفه بگیر باشد.
۴. یک سوم، مشروط بر اینکه دین متعلق به بازنشسته باشد.

۲۸- آگهی مزایده برای فروش مال چند مدت در روزنامه محلی منتشر می شود؟

۱. ۳ نوبت
۲. ۲ نوبت
۳. ۱ نوبت
۴. نیازی به نشر آگهی نیست.



۲۹- تنظیم سند انتقال ملک به نام برنده مزایده،

۱. مستلزم تحویل ملک به وی است.

۲. مستلزم تحویل ملک به وی است. ولی مستلزم تخلیه نیست.

۳. مستلزم تخلیه است.

۴. مستلزم تحویل و تخلیه نیست.

۳۰- وقتی اجرا برای زمانی نامعین انجام نشود آنرا چه می نامند؟

۱. تعطیل

۲. تاخیر

۳. عدم اجرا

۴. توقف



۱- صرف قطعیت برای اجرای حکم در کدام گزینه کافی است؟

۱. حکم راجع به وراثت و تعداد ورثه و میزان سهم الارث موضوع ماده ۲۲ قانون ثبت.
۲. حکم راجع به وصیت.
۳. حکم راجع به اعتراض به ثبت.
۴. حکم راجع به تودیع مبلغ قرارداد.

۲- هرگاه دادگاه عمومی، حکم صادره را قطعی اعلام نموده باشد و محکوم له درخواست اجرای آن را کرده باشد، اما محکوم علیه در مهلت مقرر نسبت به حکم تجدید نظر خواهی نموده باشد، دادگاه عمومی:

۱. تا روشن شدن نتیجه تجدید نظر خواهی، نمی تواند دستور اجرای آن را صادر کند.
۲. می تواند دستور اجرای آن را صادر کند چون حکم را قطعی اعلام کرده است.
۳. می تواند دستور اجرای آن را صادر کند، اما با صدور قرا قبولی تجدید نظر باید اجرای آن را توقیف نماید.
۴. می تواند دستور اجرای آن را صادر کند، اما در صورت فسخ حکم در مرحله تجدید نظر عملیات اجرایی به حالت پیشین باز گردد.

۳- در صورتی که فوت یا حجر محکوم علیه بعد از ابلاغ اجرائیه باشد:

۱. اجرائیه به قائم مقام آن ابلاغ می شود.
۲. اجرائیه به قائم مقام آن با اختاریه اطلاع داده می شود.
۳. اجرا متوقف می گردد.
۴. نیازی به ابلاغ یا اطلاع به قائم مقام نمی باشد.

۴- در اجرای احکام مدنی، مدت لازم برای بلاثر شدن اجرائیه چه میزان است؟

۱. پنج سال است.
۲. ده سال است.
۳. بیست سال است.
۴. وجود ندارد.

۵- حقوق و مزایای کارکنان بنگاههای خصوصی که دارای اهل و عیال باشند چگونه است؟

۱. قابل بازداشت است.
۲. قابل بازداشت نیست.
۳. به میزان یک سوم قابل بازداشت است.
۴. به میزان یک چهارم قابل بازداشت است.

۶- طبق قانون اجرای احکام مدنی توقیف بر چند نوع است؟

۱. ۲ نوع
۲. ۳ نوع
۳. ۱ نوع
۴. ۴ نوع

۷- حکم ابطال تقاضای ثبت،

۱. نیاز به اجرائیه دارد.
۲. جنبه اعلامی دارد.
۳. علی القاعده نیاز به اجرا دارد.
۴. نیاز به اجرائیه ندارد.



۸- با گذر چه مدت از صدور حکم اگر دستگاه دولتی نسبت به تادیه محکوم به اقدام ننماید مطابق قانون اجرای احکام ۱۳۵۶ اقدام میشود؟

۱. ۲۰ ماه

۲. ۱۸ ماه

۳. ۶ ماه

۴. ۱۲ ماه

۹- آیا برای حق کسب و پیشه که ضمن حکم به تخلیه، مورد حکم واقع شده است می توان اجراییه صادر کرد؟

۱. بله، چون جزیی از حکم است.

۲. خیر، چرا که موضوع حکم تخلیه است.

۳. مستقلا خیر

۴. بسته به نحوه صدور حکم دارد.

۱۰- چنانچه به علت اشتباه در اجرائیه اموال محکوم علیه بیش از میزان محکوم به مقرر در حکم بازداشت شده باشد جهت رفع بازداشت از آن می بایست:

۱. محکوم علیه به همان دادگاه مراجعه و به دستور دادگاه اموال آزاد می گردد و اجرائیه اصلاح می شود.

۲. محکوم علیه دعوی اصلاح اجرائیه و آزادی اموال در همان دادگاه اقامه می نماید و دادگاه خارج از نوبت رسیدگی و اقدام می نماید.

۳. مدیر اجراء اموال را آزاد و اجرائیه را اصلاح می نماید.

۴. چون دادگاه با صدور حکم و اجرائیه از رسیدگی فارغ شده است این امر در صلاحیت مرجع تجدید نظر است که محکوم علیه می بایست درخواست رسیدگی نماید.

۱۱- رفع اختلاف راجع به مفاد حکم با کیست؟

۱. دادگاهی است که حکم را صادر نموده است.

۲. دادگاهی است که حکم را اجرا می کند.

۳. همواره در صلاحیت دادگاه نخستین است هر چند توسط دادگاه تجدیدنظر صادر شده باشد.

۴. علی القاعده در صلاحیت دادگاه نخستین است.

۱۲- اداره کل خدمات درمانی محکوم به پرداخت مبلغ یکصد میلیون تومان شده است، برای اجرای این حکم:

۱. امکان بازداشت اموال محکوم علیه وجود دارد.

۲. به هیچ نحو، امکان بازداشت اموال محکوم علیه وجود ندارد.

۳. امکان بازداشت اموال محکوم علیه وجود ندارد مگر اینکه مدت یک سال گذشته باشد.

۴. امکان بازداشت اموال محکوم علیه وجود ندارد.

۱۳- با وقوع معامله به قصد فرار از ادای دین موضوع اسناد لازم الاجرا و انتقال آن به دیگری ، گزینه صحیح کدام است؟

۱. نمی توان علیه ثالث، دعوای خسارت مطرح کرد.

۲. تنها می توان علیه ثالث، دعوای خسارت مطرح کرد.

۳. تنها می توان علیه محکوم علیه، دعوای خسارت مطرح کرد.

۴. می توان عین مال را از ثالث اخذ کرد.



۱۴- توقیف مال منقول مشاع ممکن است؟

۱. بله
۲. بازداشت منوط به تصمیم دادگاه .
۳. امکان بازداشت وجود ندارد.
۴. توسط رییس حوزه قضایی بازداشت می گردد.

۱۵- گزینه صحیح در مورد اجرای احکام خلع ید ملک زراعت شده، کدام گزینه است؟

۱. تشخیص بهای زراعت و اجرت المثل با دادگاه مجری حکم است و نظر دادگاه قطعی است.
۲. تشخیص بهای زراعت و اجرت المثل با دادگاه صادرکننده حکم است و نظر دادگاه قطعی نیست.
۳. تشخیص بهای زراعت و اجرت المثل با دادگاه مجری حکم است و نظر دادگاه ظرف مدت ۲۰ روز قابل تجدیدنظر است.
۴. تشخیص بهای زراعت و اجرت المثل با دادگاه صادرکننده حکم است و نظر دادگاه ظرف مدت ۲۰ روز قابل تجدیدنظر است.

۱۶- آیا همسر مقتول می تواند مهریه اش را از محل دیه همسرش وصول نماید؟

۱. بله، چون جزیی از ترکه است.
۲. خیر، چون جزو اموال ورثه است.
۳. در صورت رضایت اکثریت ورثه بله.
۴. در صورت تقدم تاریخ صدور حکم بر فوت بله.

۱۷- بازداشت مال منقول خارج از محل سکونت و کار محکوم علیه باشد چگونه است؟

۱. در صورتی ممکن است که دلایل و قرائن کافی بر مالکیت او ارائه شود.
۲. ممکن است.
۳. ممکن نیست.
۴. فقط در صورتی ممکن است که سند رسمی یا حکم قطعی مبنی بر مالکیت او ارائه شود.

۱۸- چنانچه محکوم علیه متاهل باشد و یک تخته فرش در محل کار او برای بازداشت معرفی شود، در فرضی که فرش مزبور از مستثنیات دین نباشد:

۱. در هر حال قابل بازداشت است.
۲. در هیچ صورتی قابل بازداشت نیست.
۳. چون مال مشترک محسوب می شود فقط نسبت به سهم محکوم علیه بازداشت می شود.
۴. اگر زوجه محکوم علیه ادعای مالکیت نسبت به آن مطرح کند ، در خصوص بازداشت باید از دادگاه کسب تکلیف شود.

۱۹- گزینه صحیح در تغییر حافظ کدام است؟

۱. از وظایف دادورز است.
۲. از وظایف مدیر اجراست.
۳. منوط به تایید دادگاه مجری حکم است.
۴. منوط به تایید رییس حوزه قضایی است.



۲۰- ثالثی که منکر وجود مال محکوم علیه نزد خود است طی چه مدتی باید اطلاع دهد؟

۱. ۱ هفته ۲. ۱۰ روز ۳. ۱۵ روز ۴. ۲۰ روز

۲۱- اگر ثالث از تسلیم عین توقیف شده امتناع نماید و دادورز هم به آن دسترسی پیدا نکند، کدام گزینه صحیح می باشد؟

۱. معادل قیمت آن از دارایی ثالث اخذ می شود.
۲. ثالث مسئول جبران خسارت خواهد بود ولی دعوای خسارت نیازمند تشریفات نیست.
۳. ثالث مسئول جبران خسارت خواهد بود ولی دعوای خسارت نیازمند تشریفات است.
۴. ثالث در صورتی مسئول است که تعدی و تفریط وی توسط محکوم له به اثبات برسد.

۲۲- اگر عواید یک ساله مال غیرمنقول برای ادای محکوم به و هزینه اجرا کافی باشد، گزینه صحیح کدام است؟

۱. امکان توقیف عین مال وجود ندارد البته محکوم علیه نیز باید راضی باشد.
۲. امکان توقیف عین مال وجود دارد ولی در صورت پرداخت از عواید توسط محکوم علیه، مال غیرمنقول آزاد می گردد.
۳. امکان توقیف عین مال وجود دارد و منافع هم در صورت درخواست محکوم له قابل بازداشت است.
۴. باز هم نمی توان عواید را بازداشت کرد.

۲۳- فاصله بین موعد فروش و آگهی مزایده چقدر است؟

۱. حداقل یک هفته و حداکثر یک ماه است.
۲. حداقل ده روز و حداکثر یک ماه است.
۳. حداقل پنج روز و حداکثر دو ماه است.
۴. حداقل یک ماه و حداکثر دو ماه است.

۲۴- تسلیم مال بعد از انجام مزایده با کدام گزینه انطباق دارد؟

۱. منوط به پرداخت ده درصد مبلغ فی المجلس و دادن تضمین برای مابقی است.
۲. منوط به پرداخت پنجاه درصد مبلغ فی المجلس و دادن تضمین برای مابقی است.
۳. منوط به پرداخت پنجاه درصد مبلغ فی المجلس و احراز ملائت توسط دادگاه مجری حکم است.
۴. منوط به پرداخت تمام بهای آن است.

۲۵- در آگهی فروش کدام گزینه درج نمیشود؟

۱. قیمت
۲. تعیین اینکه ملک ثبت شده یا خیر
۳. محکوم له
۴. نام مالک

۲۶- در مزایده های که ملک خریداری نداشته محکوم علیه ظرف چه مدت با پرداخت محکوم به می تواند مانع تملک مورد مزایده از طرف محکوم له گردد؟

۱. ۲ هفته ۲. ۱ ماه ۳. ظرف دو ماه ۴. ظرف سه ماه



۲۷- احقاق حق شخص ثالث نسبت به مال توقیف شده بدون در دست داشتن حکم قطعی و سند رسمی چگونه است؟

۱. ارائه شکایت به دادگاه میسر است.
۲. بدون تشریفات، در دادگاه نخستین، مورد رسیدگی قرار می گیرد.
۳. در صورتی که جنبه ترافیعی داشته باشد، با تشریفات دادخواست، مورد رسیدگی قرار می گیرد.
۴. میسر نمی باشد.

۲۸- اجرای احکام ضرر و زیان به تبع امر کیفری بر اساس کدام گزینه می باشد؟

۱. اجرا تابع مقررات اجرای احکام مدنی است.
۲. اجرا تابع مقررات اجرای احکام کیفری است.
۳. حق اجرا اخذ نمی گردد.
۴. علی القاعده، نیازی به صدور اجراییه نیست.

۲۹- آیا امکان بازداشت محکوم علیه به جهت عدم پرداخت نیم عشر دولتی وجود دارد؟

۱. بله چون مقررات ماده ۲ قانون اجرای محکومیت های مالی عمومیت دارد.
۲. خیر، مگر اینکه ملائت وی احراز گردد.
۳. بله، مگر اینکه اعسار وی احراز گردد.
۴. خیر در هر حال بازداشت ممتنع است.

۳۰- مرجع تقاضای اجرای احکام دادگاههای خارجی در وهله اول با کیست؟

۱. دادگاه عمومی تهران است.
۲. دادگاه محل اقامت یا سکونت محکوم علیه است.
۳. دادگاه محل اقامت یا سکونت محکوم له است.
۴. دیوانعالی کشور



۱- در مورد اجرایه‌های کارگری

۱. نیم عشر تعلق می گیرد.
۲. نیم عشر تعلق نمی گیرد.
۳. پرداخت حق اجرا سقف مشخصی دارد.
۴. هزینه اجرا متناسب با بار مالی اجرایه های مزبور است.

۲- هرگاه محکوم علیه، رسیدی مشتمل بر پرداخت محکوم به، به محکوم له ارائه نماید؛ دادگاه چه تکلیفی دارد؟

۱. تعطیل عملیات اجرائی
۲. توقیف عملیات اجرائی
۳. قطع عملیات اجرائی
۴. الغای عملیات اجرائی

۳- رابطه ی بین تأخیر و توقیف عملیات اجرائی چیست؟

۱. تأخیر عملیات اجرائی برخلاف توقیف آن، در مواردی است که هنوز شروع به اجرای حکم نشده است
۲. تأخیر عملیات اجرائی برخلاف توقیف آن، در مواردی است که شروع به اجرای حکم شده است
۳. هر دو پس از شروع عملیات اجرائی محقق می شوند
۴. هر دو قبل از شروع عملیات اجرائی محقق می شوند

۴- در صورت فوت یا حجر محکوم علیه، کدام گزینه صحیح است؟

۱. تعطیل عملیات اجرائی
۲. الغای عملیات اجرائی
۳. قطع عملیات اجرائی
۴. توقیف عملیات اجرائی

۵- در صورتی که محکوم علیه، دلیلی مبنی بر مالکیت مافی الذمه یا سقوط تعهد ناشی از حکم ارائه نماید؛ کدام گزینه صحیح است؟

۱. توقیف عملیات اجرائی
۲. تعطیل عملیات اجرائی
۳. الغای عملیات اجرائی
۴. قطع عملیات اجرائی

۶- هرگاه اجرائیه های متعددی علیه شخص واحدی به قسمت اجرا رسیده باشد؛ دایره ی اجرا حق تقدم طلبکاران را به چه ترتیب رعایت می نماید؟

۱. دارنده ی وثیقه-خدمه ی خانه و کارگران محکوم علیه-نفقه ی زن و هزینه ی نگهداری اولاد صغیر محکوم علیه
۲. دارنده ی وثیقه-خدمه ی خانه و کارگران محکوم علیه-سایر طلبکاران
۳. دارنده ی وثیقه-نفقه ی زن و هزینه ی نگهداری اولاد صغیر محکوم علیه-سایر طلبکاران
۴. دارنده ی وثیقه-نفقه ی زن و هزینه ی نگهداری اولاد صغیر محکوم علیه-خدمه ی خانه و کارگران محکوم علیه



۷- کدام عبارت صحیح است؟

۱. فقط دادن دادخواست اعسار ملازمه با تقسیط دارد
۲. دادن دادخواست اعسار ملازمه با تقسیط ندارد
۳. هم دادخواست اعسار ملازمه با تقسیط دارد و هم دادخواست تقسیط ملازمه با تقاضای اعسار دارد
۴. دادخواست تقسیط ملازمه با تقاضای اعسار ندارد

۸- کدام عبارت صحیح است؟

۱. در توقیف تأمینی، امکان توقیف حقوق و مزایای کارکنان و مستخدمین دولتی وجود ندارد
۲. در توقیف تأمینی، امکان توقیف حقوق و مزایای کارکنان و مستخدمین دولتی وجود دارد
۳. برای توقیف تأمینی حقوق و مزایای کارکنان و مستخدمین دولتی، باید میزان آن را از بانک استعلام نمود
۴. برای توقیف تأمینی حقوق و مزایای کارکنان و مستخدمین دولتی، باید میزان آن را از محل کار مستخدم استعلام نمود

۹- در کدام مورد، تصویب دادگاه ضرورت دارد؟

۱. تعیین حافظ
۲. تعیین ارزیاب
۳. تغییر حافظ
۴. تعیین دستمزد حافظ یا ارزیاب

۱۰- اگر در هنگام توقیف، دسترسی به ارزیاب نباشد؛ تکلیف مامور اجرا چیست؟

۱. از توقیف مال خودداری نماید
۲. قیمتی که محکوم له تعیین کرده ملاک عمل قرار گیرد
۳. قیمتی که محکوم علیه تعیین کرده ملاک عمل قرار گیرد
۴. مامور اجرا به تشخیص خود قیمت مال را تعیین نماید

۱۱- کدام عبارت صحیح است؟

۱. محکوم له و محکوم علیه بهیچوجه نمی توانند تقاضای تبدیل مال توقیف شده را به مال دیگر بنمایند
۲. محکوم له و محکوم علیه می توانند بطور مطلق تقاضای تبدیل مال توقیف شده را به مال دیگر تا قبل از شروع عملیات اجرائی بنمایند
۳. محکوم له و محکوم علیه می توانند با شرایطی، تقاضای تبدیل مال توقیف شده را به مال دیگر تا قبل از شروع عملیات اجرائی بنمایند
۴. فقط محکوم علیه می تواند با شرایطی، تقاضای تبدیل مال توقیف شده را به مال دیگر تا قبل از شروع عملیات اجرائی بنمایند

۱۲- اجرای کدام یک از احکام زیر نیاز به صدور اجرائیه دارد؟

۱. فسخ نکاح
۲. موت فرضی
۳. طلاق
۴. حکم مربوط به دین



۱۳- کدام مورد از موارد رد مامور اجرا جهت انجام عملیات اجرائی تلقی می شود؟

۱. امر راجع به اشخاصی باشد که مامور اجرا با آنان فقط قرابت نسبی تا درجه سوم دارد
۲. امر راجع به اشخاصی باشد که مامور اجرا با آنان قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم دارد
۳. یکی از طرفین، وصی مامور اجرا یا کفیل امور او باشد
۴. امر راجع به کسانی باشد که بین آنان و مامور اجرا، دعوای مدنی یا کیفری قبلاً مطرح بوده و منتهی به صدور حکم شده است

۱۴- در کدام مورد، تفاوتی بین اجرای احکام دادگاه های مدنی و اجرای مفاد اسناد رسمی در ثبت وجود ندارد؟

۱. از حیث تاثیر گذشت
۲. از حیث آثار اجرا
۳. از حیث موضوع
۴. از حیث دامنه ی شمول

۱۵- در کدام مورد با وجود قطعیت رأی، امکان اجرای آن وجود ندارد؟

۱. حکم مربوط به امور حسبی
۲. حکم راجع به وصیت نامه
۳. حکم مربوط به ورشکستگی
۴. احکامی که در دعوای بازرگانی صادر می شود

۱۶- در کدام مورد امکان اجرای موقت حکم وجود ندارد؟

۱. حکم راجع به اعتراض به ثبت
۲. حکم راجع به رفع تصرف عدوانی
۳. حکم در باب مرخصی اجیر در منازعات مربوط به اجیر نمودن و اجیر شدن
۴. حکم به تخلیه ی مستاجر در هنگام انقضای مدت اجاره

۱۷- پرداخت حق اجرا پس از انقضای:

۱. ده روز از تاریخ ابلاغ اجرائیه بر عهده ی محکوم له است
۲. ده روز از تاریخ ابلاغ اجرائیه بر عهده ی محکوم علیه است
۳. ده روز از تاریخ صدور اجرائیه بر عهده ی محکوم علیه است
۴. ده روز از تاریخ صدور اجرائیه بر عهده ی محکوم له است

۱۸- هرگاه شخص ثالث از تأدیه ی وجه نقد یا طلب حال که نزد او توقیف شده است، امتناع نماید در این صورت:

۱. باید علیه او اقامه ی دعوا شود
۲. به او بیست روز مهلت داده می شود
۳. به میزان وجه مزبور از دارایی او توقیف می شود
۴. باید از اموال دیگر محکوم علیه توقیف نمود



۱۹- چنانچه اموال محکوم علیه قابل تجزیه باشد، به چه میزان توقیف می شود؟

۱. معادل محکوم به
۲. معادل محکوم به و هزینه های اجرائی
۳. معادل مبلغی که دادگاه تشخیص دهد
۴. معادل مبلغی که محکوم له اظهار می نماید

۲۰- اختلافات ناشی از اجرای احکام راجع به دادگاهی است که:

۱. حکم توسط آن اجرا می شود، به استثنای اختلافات راجع به مفاد حکم که در صلاحیت دادگاهی است که حکم توسط آن صادر شده است
۲. اجرائیه توسط آن صادر شده، به استثنای اختلافات راجع به مفاد حکم که در صلاحیت دادگاهی است که حکم توسط آن اجرا می شود
۳. حکم توسط آن اجرا می شود، حتی اگر اختلاف راجع به مفاد حکم باشد
۴. اجرائیه توسط آن صادر شده، حتی اگر اختلاف راجع به مفاد حکم باشد

۲۱- شخص ثالث... به جای محکوم علیه برای استیفای محکوم به، مال معرفی نماید

۱. نمی تواند
۲. می تواند
۳. باید
۴. نباید

۲۲- مامور اجرا در صورتی می تواند مال منقولی که در تصرف شخصی غیر از محکوم علیه باشد را، به عنوان مال محکوم علیه توقیف نماید که:

۱. متصرف، خود یا دیگری را به عنوان مالک آن معرفی ننماید
۲. شواهد کافی بر مالکیت محکوم علیه موجود باشد، حتی اگر متصرف معارضه نماید
۳. قرائن کافی بر مالکیت محکوم علیه موجود باشد، حتی اگر متصرف معارضه نماید
۴. دلایل کافی بر مالکیت محکوم علیه موجود باشد، حتی اگر متصرف معارضه نماید

۲۳- هرگاه در جریان عملیات اجرائی، مال منقول ثالثی به عنوان مال محکوم علیه توقیف شود؛ ثالث باید به دادگاهی مراجعه نماید که:

۱. محکوم له یا محکوم علیه در حوزه ی آن مقیم است
۲. محکوم له در حوزه ی آن مقیم است
۳. حکم توسط آن اجرا می شود
۴. حکم توسط آن صادر شده است



۲۴- اگر محکوم علیه بعد از ابلاغ اجرائیه فوت نماید:

۱. اجرائیه باید به ورثه ی او ابلاغ شود
۲. اجرائیه بدون ابلاغ به ورثه، اجرا می شود
۳. مفاد اجرائیه یک نوبت آگهی می شود
۴. مفاد اجرائیه باید به وسیله ی اخطاریه به ورثه ی او اطلاع داده شود

۲۵- چنانچه اموال توقیف شده، در نوبت اول مزایده به قیمت ارزیابی شده خریداری نداشته باشد:

۱. به درخواست محکوم له، مزایده ی نوبت دوم برگزار می شود حتی اگر محکوم علیه موافقت ننماید
۲. فقط در صورت توافق طرفین، مزایده ی نوبت دوم مجاز است
۳. مزایده ی نوبت دوم در هر حال اجباری است
۴. اموال توقیف شده به هر قیمتی که خریدار داشته باشد فوراً به فروش می رسد

۲۶- اجرای حکم خلع ید صادره به نفع یکی از شرکای ملک مشاع، و به ضرر شریک دیگر؛ به چه صورت می باشد؟

۱. از تمام ملک خلع ید شده ولی به تصرف محکوم له داده نمی شود
۲. به محکوم علیه اخطار می شود که به ازای هر روز تأخیر در اجرای حکم، مبلغی را پرداخت نماید
۳. حکم اجرا نمی شود مگر اینکه محکوم له سهم خود را افراز نماید
۴. محکوم له در قسمتی از ملک، به اندازه ی سهمش مستقر می شود

۲۷- چنانچه مبلغ مندرج در اجرائیه، کمتر از مبلغ محکوم به مندرج در حکم باشد:

۱. فقط در صورت تقاضای محکوم له، دادگاه می تواند آن را اصلاح کند
۲. دادگاه می تواند رأساً آن را اصلاح کند
۳. اصلاح اجرائیه در صلاحیت دایره ی اجرا است
۴. فقط در صورت اقامه ی دعوا به خواسته ی اصلاح اجرائیه، دادگاه می تواند آن را اصلاح کند

۲۸- احکام دادگاه ها ی دادگستری علی الاصول وقتی اجرا می شوند که:

۱. به محض صدور، قابل اجرا هستند
۲. قطعی شده باشند
۳. پس از موافقت رئیس کل دادگستری استان قابل اجرا هستند
۴. نهایی شده باشند



۲۹- حقوق کارمندان دولت تا چه میزان قابل توقیف است؟

۱. در صورتی که دارای فرزند باشند ربع والا ثلث
۲. در صورتی که دارای زن باشند ربع والا ثلث
۳. در صورتی که دارای زن یا فرزند باشند ربع والا ثلث
۴. در صورتی که دارای زن و فرزند باشند ثانی والا ثلث

۳۰- جهت بازداشت مال غیر منقول ثبت شده:

۱. کافی است که دستور توقیف مال در اداره ی ثبت اعمال شود
۲. علاوه بر اعمال دستور توقیف در اداره ی ثبت، ملک باید به حافظ سپرده شود
۳. علاوه بر اعمال دستور توقیف در اداره ی ثبت، محکوم علیه باید از ملک خلع ید شود
۴. علاوه بر اعمال دستور توقیف در اداره ی ثبت، مراتب باید در روزنامه آگهی شود

**۱- حکم در چه مواردی قطعی می گردد؟**

۱. مرحله تجدیدنظرش را سپری کرده باشد. حال یا حکم نقض یا تأیید شده باشد. بعد از مرحله تجدیدنظر حکم قطعی می شود.
۲. از احکام غیرقابل تجدیدنظر باشد. یعنی از همان اول قطعی شده باشد. مثل زمانی که خواسته ۳۰۰ هزار تومان می باشد.
۳. از احکام قابل تجدیدنظر باشد ولی مهلت تجدیدنظرش سپری شده باشد. در این صورت حکم قطعی می شود.
۴. از احکام قابل تجدیدنظر باشد ولی درخواست تجدیدنظر نشده.

۲- تفاوت های اجرای احکام مدنی با اجرای احکام کیفری را از حیث موضوع تشریح کنید.

احکام متضمن ایفاء تعهد ، پرداخت دین ، الزام به تنظیم سند ، انجام فعل و یا ترک فعل و مانند آن است . ولی احکام کیفری متضمن اعمال نوعی از مجازات مانند حبس ، شلاق ، پرداخت جزای نقدی و تبعید و ... می باشد .

موضوع اجرای احکام مدنی معمولاً پرداخت خسارت ، ایفاء تعهد ، تبدیل تعهد ، الزام به پرداخت وجهی ، الزام به تنظیم سندی است.

موضوع احکام کیفری مجازات است که مجازات ها ۴ دسته هستند: ۱- حد ۲- تعزیر ۳- دیه ۴- قصاص.

مجازات چیست؟ اخلاص در نظم عمومی جرم است. ضمانت اجرایی که برای آن در نظر می گیرند مجازات است.

حد: حد مجازاتی است که موجب ، تعداد ، نوع ، میزان و کیفیت آن در شرع مشخص شده و قابل تخفیف و تبدیل و تعلیق و تعویق نیست. موجبات حق ۱۱ مورد می باشد: زنا ، لواط ، مساحقه ، تفخیز ، قوادی ، سرقت ، قذف ، محاربه ، افساد فی الارض ، بغی ، شرب خمر. انواع آن : تازیانه (شلاق) ، حبس ابد ، اعدام ، به صلیب کشین ، قطع عضو. میزان : مثلاً تعداد تازیانه های شرب خمر ۸۰ ضربه (قابل تخفیف و تبدیل و تعویق و تعلیق نیستند)

تعزیر: بر عکس حد می باشد. موجب ، نوع ، میزان و کیفیت آن در شرع تعیین نشده است بلکه به عهده قاضی (حاکم) می باشد.

دیه: مالی است که در موارد «جنايات غير عمدی» به اولیاء دم مقتول پرداخت می شود یا در مواردی که امکان قصاص نیست مثل پدری که فرزند خودش را به عمد بکشد قصاص نمی شود ، بلکه باید دیه پرداخت کند.

قصاص: قصاص «مجازات اصلی جنايات عمدی» بر نفس و عضو و منفعت است. فرض کنید زمستان شده و برف شدیدی آمده و حیاط خانه پر برف شد. هیچ کس هم روی برف ها راه نرفته. حالا شما می خواهید تا دم درب بروید شما روی برف ها قدم می زنید و جای پای شما روی برف ها می ماند. حالا پدر شما هم می خواهد همان مسیر را طی کند تا به درب برسد. اگر پدر شما دقیقاً جای پای شما قدم بگذارد و جای پای جدید ایجاد نکند ، عرب به این می گوید قصاص کرده یعنی جا پای دیگری گذاشته. در لغت عرب جا پای دیگری گذاشتن را قصاص می گویند. جا پای دیگری گذاشتن یعنی شما همان کاری که او انجام می دهد را انجام دهید. در مجازات هم یعنی هر کاری که با شما کردند شما هم همان کار را با آنها بکنید. یعنی جا پای خودش بگذارید. یعنی هر کاری که جانی با شما کرده ، با او بکنید

**۳- موارد رد مأمور اجرا را نام ببرید.**

مأمور اجراء دو وظیفه عمده داشت یکی ابلاغ اجرائیه و دیگری انجام اقدامات.

در برخی از موارد نمی‌تواند انجام وظیفه کند. این موارد عبارت است از:

۱. امر اجراء مربوط به همسر خودش باشد. یعنی همسر مأمور اجراء محکوم‌له یا محکوم‌علیه پرونده مربوطه باشد که در این صورت باید پرونده به مأمور اجراء دیگری محول شود.

۲. امر اجراء مربوط به اشخاصی باشد که مأمور اجراء با آنها قرابت نسبی و یا سببی تا درجه سوم داشته باشد. منظور از درجه سوم طبقه سوم است. چون هر طبقه چند درجه است. (طبقه ۳ هم شامل می‌شود)

۳. مأمور اجراء قیم یا وصی یا وکیل یا کفیل یکی از طرفین باشد.

۴. امر اجراء راجع به کسانی باشد که بین افراد یا مأمور اجراء یا همسر مأمور اجراء دعوی کیفری یا مدنی مطرح باشد.

در کلیه این موارد مأمور اجراء باید قرار عدم استماع صادر کند. (باید به رئیس دادگاه اعلام کند)

ماده ۱۸ قانون اجرای احکام مدنی - مدیران و دادورز (مأمورین اجرا) در موارد زیر نمی‌توانند قبول مأموریت نمایند.

۱ - امر اجرا راجع به همسر آنها باشد.

۲ - امر اجرا راجع به اشخاصی باشد که مدیر و یا دادورز (مأمور اجرا) با آنان قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم دارد.

۳ - مدیر یا دادورز (مأمور اجرا) قیم یا وصی یکی از طرفین یا کفیل امور او باشد.

۴ - وقتی که امر اجرا راجع به کسانی باشد که بین آنان و مدیر یا دادورز (مأمور اجرا) یا همسر آنان دعوی مدنی یا کیفری مطرح است.

در هر یک از موارد مذکور در این ماده اجرای حکم از طرف رئیس دادگاه به مدیر یا دادورز (مأمور اجرا) دیگری محول می‌شود و اگر در آن حوزه مدیر یا مأمور دیگری نباشد اجرای حکم به وسیله مدیر دفتر یا کارمند دیگر دادگاه یا حسب مورد مأموران شهربانی و ژاندارمری به عمل خواهد آمد.

۴- توقیف به چه معنا و چند نوع است؟ هر کدام را توضیح دهید.

تعریف توقیف: واژه توقیف در لغت به معنی بازداشت کردن، در جایی نگاه داشتن است. واژه اموال هم جمع مال است که در لغت به معنی دارایی است. واژه محکوم‌علیه هم به معنی شخصی است که حکم به ضرر او صادر شده است.

پس توقیف اموال محکوم‌علیه یعنی بازداشت دارایی‌های شخصی که حکم به ضرر او صادر شده.

انواع توقیف: ۱- توقیف تأمینی ۲- توقیف اجرایی

توقیف تأمینی: وقتی حکمی صادر شد برای به اجراء درآوردن آن شرایطی لازم است. یکی از آن شرایط این است که باید حکم

اجرائیه صادر گردد و این اجرائیه به محکوم‌علیه ابلاغ شود. بعد از ابلاغ، محکوم‌علیه موظف است ظرف مدت ۱۰ روز یا ۳۰ روز

مفاد آن را اجراء کند و اما ممکن است محکوم‌علیه در این مهلت ۱۰ روز یا ۳۰ روز اموال خود را به انتقال دهد یا آنها را

مخفی کند یا به طور کلی کاری کند که محکوم‌له نتواند به حق خود برسد. بر همین اساس محکوم‌له طبق قانون می‌تواند قبل از

اینکه مهلت ۱۰ یا ۳۰ روز تمام شود تقاضای توقیف اموال محکوم‌علیه را بدهد که به این توقیف، تأمینی یا توقیف

احتیاطی می‌گویند. توقیف تأمینی یعنی برای حفظ حقوق خواهان یا ذینفع در مقابل محکوم‌علیه، اموال محکوم‌علیه به طور

موقت توقیف می‌گردد. مثلاً اگر خانمی مهریه خودش را به اجراء بگذارد قبل از اینکه حکم صادر شود و قطعی هم شود از ترس

اینکه شوهرش اموال را بنام دیگری نکند، می‌تواند از دادگاه تقاضای توقیف اموال همسر خود را بدهد تا تکلیف مشخص شود.

بنابراین توقیف تأمینی هم بعد از حکم قطعی در همان مدت ۱۰ روز یا ۳۰ روز می‌تواند از دادگاه تقاضا شود و هم قبل از صدور

حکم قطعی مثل مهریه زن. در توقیف تأمینی محکوم‌له مال را معرفی می‌کند.



توقیف اجرایی: همانطور که گفته شد محکوم علیه بعد از ابلاغ اجرائیه موظف است ظرف مدت ۱۰ یا ۳۰ روز مفاد آن را اجرا نماید. اما ممکن است او در این مهلت حکم را اجرا نکند و به هیچ یک از وظایف جایگزین دیگر هم عمل نکند. در چنین وضعی طبق قانون محکوم له می تواند درخواست کند تا معادل محکوم به از اموال محکوم علیه توقیف شود. در این صورت بدون تأخیر اقدام به توقیف اموال محکوم علیه خواهد شد که به این توقیف ، توقیف اجرایی می گویند که در توقیف اجرایی توقیف اموال دائم است برای فروش یا تحویل آن به محکوم له انجام می شود. مثلاً ماشین محکوم علیه را توقیف می کند و کارشناس قیمت می گذارد و در مزایده می فروشند ، پولش را به محکوم له یا خواهان می دهند. یا مثلاً محکوم به ماشین باشد ماشین را توقیف می کنند و می گیرند و به خواهان یا محکوم له تحویل می دهند. در توقیف اجرایی یا محکوم له یا محکوم علیه مال را معرفی می کنند ولی اولویت با محکوم علیه است که مال معرفی کند.

در فروش اموال محکوم علیه اگر مالی که معرفی شده قابل تجزیه نباشد و ارزش آن مال از محکوم به بیشتر باشد کل مال توقیف می شود و فروخته می شود و محکوم به را دارند و بقیه را به محکوم علیه برمی گردانند. ولی اگر قابل تجزیه بود به همان میزان محکوم به برمی دارند و توقیف می کنند. به طور مثال فرض کنید محکوم علیه ۱۰۰ تن گندم دارد و محکوم به به اندازه ۲۰ تن ارزشش است ، بنابراین ۲۰ تن گندم از ۱۰۰ تن جدا کرده و توقیف می کنند و می فروشند.

اگر مالی که می خواهد توقیف شود در حوزه دادگاه دیگری قرار داشت ، مأمور اجراء نیابت می دهد به مأمور اجرایی که مال در حوزه صلاحیت او مستقر است و او عملیات اجراء را انجام می دهد. در امور کیفری هم به همین شکل است. به فرض مثال متهم فرار کرده رفته شیراز. دادسرای عمومی انقلاب نیابت قضایی می دهد به صلاحیت و شایستگی دادسرای عمومی انقلاب شهرستان ، بعد شهرستان شیراز اقدامات لازم را انجام می دهد.

تفاوت توقیف تأمینی و اجرایی: ۱- موقتی بودن توقیف تأمینی ۲- در توقیف اجرایی اگر محکوم علیه اموال متعدد داشته باشد خودش می تواند تعیین کند کدام مال را اول بفروشند (حق انتخاب دارد) ولی در توقیف تأمینی مال را خواهان معرفی می کند و بعد توقیف می شود.

۵- ترتیب اجرای احکام را به صورت مختصر بیان کنید.

دومین قاعده (شرط) ترتیب اجراء است:

اول باید برگ اجرائیه توسط دادگاه نخستین (بدوی) (حتی اگر رأی به مرحله تجدیدنظر هم رفته باشد) صادر شود. تشکیل پرونده اجرایی: بعد از اینکه حکم قطعی شد و برگ اجرائیه هم صادر شد ، یک پرونده تشکیل می دهند که برگ اجرائیه داخل آن پرونده گذاشته می شود.

بعد از تشکیل پرونده و صدور برگ اجرائیه ، به محکوم علیه ابلاغ می شود که بعد از ۱۰ روز از ابلاغ اجرائیه به محکوم علیه ، محکوم علیه باید ترتیب با مقدمات اجراء را فراهم کند. البته قانون محکومیت مالی جدید مقرر کرده که محکوم علیه بعد از ۳۰ روز باید ترتیب یا مقدمات اجراء را فراهم کند. که اگر محکوم علیه مقدمات اجراء را فراهم کرد به عنوان مثال پول یا محکوم به را پرداخت کرد که هیچ ، ولی اگر پرداخت نکرد مأمور اجراء می رود و مال را توقیف می کند. ولی گاهی اوقات محکوم علیه هیچ مالی ندارد که پرداخت کند که در این صورت اصطلاحاً می گویند طرف ماده ۲ شده. ماده ۲ مقرر کرده هرکس محکوم شود به پرداخت مالی و نپردازد ، محکوم له می تواند درخواست حبس محکوم علیه را تا یوم الاداء دهد (تا وقتی که پرداخت کند) حال اگر



محکوم علیه تقاضای اعسار دهد برای محکوم علیه پرونده اعسار تشکیل می دهند و می آید بیرون تا توان مالی پیدا کند که اگر تا ۳ سال بعد از آن زمان هم مشخص شود که محکوم علیه دروغ گفته است هم باید دینش را بدهد و هم مجازات کیفری دارد.

اگر محکوم به (مالی که باید پرداخت شود) عین معین بود (منقول یا غیرمنقول) همان عین معین را می گیرند و به محکوم له می دهند. حال اگر این عین معین را خود محکوم علیه داد که هیچ ، اگر محکوم علیه نداد مثلاً ماشین مأمور اجراء توقیف کرده و به پارکینگ حمل می کند. حال اگر سند ماشین را محکوم علیه انتقال داد به محکوم له که هیچ در غیر این صورت مأمور اجراء به راهنمایی و رانندگی و دفترخانه مراجعه می کند و انتقال مالکیت به نام محکوم له صورت می گیرد. در مورد اموال غیرمنقول هم به همین منوال می باشد.

حال اگر محکوم به وجه نقد بود که اگر محکوم علیه داد که هیچ اگر گفت بخشی از پول را دارد که بقیه قسط بندی می شود ، اگر گفت اصلاً ندارم که در این صورت تقاضای اعسار می دهد به همان شکل که در قبل توضیح داده شد.

ولی گاهی اوقات محکوم به اصلاً مال نمی باشد بلکه یک معین می باشد. در این حالت اگر محکوم علیه خودش انجام داد که هیچ ولی اگر انجام نداد و آن کار توسط یک نفر دیگر قابل انجام بود می دهیم به یک نفر دیگر انجام دهد و هزینه اش را باید محکوم علیه پرداخت کند. اگر محکوم له کار توسط دیگری انجام شود ، محکوم علیه باید پول محکوم له را پس دهد. اگر محکوم علیه پول را پس داد که هیچ ، اگر پول را پس نداد این دوباره می شود محکومیت مالی که محکوم له از محکوم علیه پول می خواهد که همان شکل در در قبل گفتیم.

نکته: اگر انجام یک کار معین منحصر به فرد بود که فقط یک نفر می تواند انجام دهد مثلاً یک مجسمه ساز خاص ، یک نقاش خاص هست ، اگر انجام ندهد باید خسارتش را به صورت وجه نقد و پول رایج روز پرداخت نماید.

۶- در صورت مجلس اموال منقول چه مواردی باید قید شود؟

در صورت جلسه وصف کاملی از اموال نوشته می شود از قبیل نوع ، عدد ، وزن ، اندازه و ... با تمام حروف و اعداد نوشته می شود که بعد از صورت جلسه دیگر محکوم علیه حق فروش آن اموال را ندارد. اگر این اموال را که توقیف شده است را بفروشند مجازات کیفری دارد.

مأمور اجرا قبل از توقیف اموال منقول باید صورتی که مشتمل بر اوصاف کامل اموال از قبیل نوع، عدد، وزن، اندازه و غیره که با تمام حروف و اعداد باشد تنظیم کند. همچنین باید در هر مورد مشخصات و خصوصیات که معرف کامل مال باشد نوشته شود.

۷- اعسار به چه معنی است و مدعی اعسار برای اثبات آن با چه تکلیفی روبرو است؟

اگر محکوم علیه از پرداخت محکوم به ناتوان است (معسر) است. معسر کسی است که از پرداخت دیون خود ناتوان است. حالا ممکن است کلاً ناتوان باشد و یا ممکن است از پرداخت یکجای آن ناتوان باشد که در این صورت باید اقساطی پرداخت شود. به هر حال اعسار حالت کسی است که ناتوان از پرداخت دیون خود باشد.

اعسار از عسر (گرفتاری و تنگی) می آید در مقابل یسر. کسی که مدعی اعسار است باید یک دادخواستی مبنی بر صدور حکم اعسار تقدیم دادگاه بدوی (دادگاه نخستین) ، همان دادگاه محل صدور حکم بدوی که اجرائیه را هم صادر کرده به طرفیت محکوم له تقدیم کند. این دعوی اعسار اولاً دعوی غیرمالی است یعنی از لحاظ هزینه دادرسی جزء دعوی غیرمالی محسوب می شود (فرقی نمی کند که مبلغ محکوم به چقدر باشد) در ضمن دادگاه نخستین به دعوی اعسار باید خارج از نوبت رسیدگی کند. کسی که مدعی اعسار است باید حداقل ۴ نفر شاهد که وضع معیشتی و مالی او آگاهی داشته باشند را برای ادای شهادت به



دادگاه معرفی کند که در صورتی که دادگاه حضور شهود را لازم دید باید شهود را در صحنه دادگاه حاضر نماید. در غیر اینصورت همین که معرفی کند دادگاه از قولش اطمینان حاصل کند که دروغ نمی گوید ، کفایت می کند و بعد از بررسی مبادرت به صدور حکم می کند (یا اعسار او را می پذیرد یا نمی پذیرد) و اگر اعسار محکوم علیه را پذیرفت این رأی قابل تجدیدنظر خواهی هم توسط محکوم علیه و هم محکوم له است. مثلاً محکوم علیه بگوید ماهی یک میلیون زیاد است ، این مقدار ندارم بدهم و تقاضای تعدیل میزان اقساط را بکند و یا محکوم له ممکن است بگوید مثلاً ماهی یک میلیون تومان کم است باید بیشتر بدهد. درضمن رأی تجدیدنظر قطعی است.

بنابراین محکوم علیه باید دعوی اعسار خود را ظرف همان ۱۰ روز یا ۳۰ روز مهلت قانونی از تاریخ ابلاغ اجرائیه مطرح کند اگر دادخواست اعسار ندهد ظرف این مدت قانونی ، محکوم له می تواند او را بازداشت کند. حال فرض می کنیم در این مهلت قانونی محکوم علیه در بازداشت است می تواند دادخواست اعسار بدهد که اگر اعسارش پذیرفته شد از حبس آزاد می شود.

نکته: اگر اعسار محکوم علیه پذیرفته شد و حکم هم قطعی شد دیگر اجرای حکم بر اساس میزان اقساطی که در اعسار تعیین شده انجام می شود.

حال فرض می کنیم که محکوم علیه چند ماه اقساط را پرداخت کرد و بعداً مثلاً به علت اخراج از شغل و بیکار شدن توانایی پرداخت اقساط را نداشته باشد ، می تواند تقاضای تعدیل میزان اقساط را بدهد یا بالعکس شغل پردرآمدتر از قبل پیدا کند و درآمدش افزایش پیدا کند ، محکوم له می تواند درخواست افزایش میزان اقساط را بدهد. بنابراین قانون این اجازه را به محکوم له و محکوم علیه داده است.

نکته: حتی اگر محکوم علیه چند قسط را پرداخت کند و یک ماه توان پرداخت قسط را نداشته باشد ، بازهم باید دادخواست اعسار بدهد. (دادخواست اعسار چون دعوی غیرمالی است هیچ هزینه ای ندارد)

۸- در چه مواردی حضور نماینده دادستان در حین توقیف مال لازم است؟

در مورد اموال منقول طلا ، جواهر و سکه که در منزل است و درب منزل هم قفل است حالا ممکن است محکوم علیه حضور داشته باشد یا حضور نداشته باشد. در هر دو مورد نماینده دادستان هم علاوه بر مأمور اجراء باید در صحنه حضور داشته باشد و در صورت مجلس را حتماً امضاء کند. حضور نماینده دادستان از این بابت است که قفل درب باید شکسته شود و بعداً محکوم علیه به جرم تخریب و ورود به منزل نتواند شکایت کند. یعنی با حکم وارد منزل شوند. اگر مأمور اجراء بدون حضور نماینده دادستان و با کمک ضابطین دادگستری قفل درب را شکسته و وارد منزل شود و اموال را توقیف کند و محکوم علیه هم در منزل باشد می تواند به روند اجراء اعتراض کند و از اموال توقیف شده ، رفع توقیف می شود.

اگر مال منقول معرفی شده در جایی قرار گرفته باشد که در آن بسته باشد و از بازکردن آن خودداری شود، مأمور اجراء با حضور مأمورین انتظامی اقدام لازم را برای بازکردن در و توقیف مال معمول می دارد و در مورد بازکردن محلی که کسی در آن نیست با حضور نماینده دادستان در بازخواهد شد.

۹- فروش اموال توقیفی به چه صورت انجام می شود؟ به صورت مبسوط توضیح دهید.

اگر اموالی که توقیف شده خودش موضوع حکم باشد (محکوم به) همان مال توقیف شده را می گیرند و به محکوم له می دهند. مثلاً اگر محکوم به ماشین یا یک ملک باشد آن را توقیف و به محکوم له تحویل می دهند و سند مالکیت ملک یا ماشین را بنام محکوم له انتقال داده می شود. اما گاهی این طوری نیست ، بلکه محکوم به یک وجه نقدی است که محکوم علیه این وجه نقد را ندارد پرداخت

کند یک مال معرفی می‌کند یا محکوم‌علیه یا محکوم‌له که این مال باید بفروش برسد و مبلغ به محکوم‌له پرداخت شود که این فروش اموال توقیف شده دارای یک تشریفاتی است که به آن می‌گویند مزایده.

اموال وقتی توقیف شد توسط کارشناس (ارزیاب) قیمت‌گذاری می‌شود بعد باید آگهی مزایده در یک نوبت در روزنامه همان محلی که این اتفاقات در آن افتاده است منتشر کنند که زمان فروش، محل فروش، مشخصات مال و قیمت پایه را در آگهی مزایده درج می‌کنند. آگهی مزایده از روزی که منتشر می‌شود تا روزی که مزایده برگزار می‌شود نباید کمتر از ۱۰ روز و بیشتر از یک ماه باشد. حال بستگی به نوع مالش دارد که چه زمانی تعیین کنند. یک وقت یک مال خاصی است افراد می‌خواهند کشور بیایند و مال را ببینند، باید زمان بیشتری بگذارند تا افراد بتوانند بیایند و مال را ببینند. تعیین این مدت ابتدا با تراضی محکوم‌له و محکوم‌علیه است. اگر تراضی نکردند مأمور اجراء خودش در این فاصله ۱۰ روز تا یک ماه یک مدتی را تعیین می‌کند. در خصوص مکان هم همینطور؛ اگر تراضی محکوم‌له و محکوم‌علیه بود که هیچ در غیر اینصورت بسته به نوع مال، مکان را تعیین می‌کنند. اگر مال غیرمنقول بود که در محل وقوع مال چون نمی‌توانند که مال را جابجا کنند. اگر مال منقول بود یک محلی را اداره اجراء مشخص می‌کند.

مزایده به دو صورت انجام می‌شود:

یا به صورت پاکت است که قیمت پیشنهادی را در پاکت مهر و موم شده می‌فرستند. یک روز همه را باز می‌کنند که این معمولاً در خصوص مزایده دولتی‌ها، شرکت‌های دولتی، سازمان‌های دولتی که به این شکل مزایده را انجام می‌دهند ولی در خصوص توقیف اموال منقول و غیرمنقول از طریق پاکت انجام نمی‌شود بلکه به شیوه چوب‌زنی انجام می‌شود. هر که بیشتر بخرد به او می‌دهند. خود محکوم‌له هم می‌تواند در جریان مزایده جزء شرکت‌کننده‌ها باشد ولی مأمور اجراء و ارزیاب این پرونده و بستگان سببی و نسبی آنها تا درجه ۳ نمی‌توانند در مزایده شرکت کنند. حال اگر مزایده را برگزار کردیم و هیچ‌کس نخرید، در این صورت یا محکوم‌له خودش مال را به قیمت پایه که مشخص شده برمی‌دارد (از قیمت پایه کمتر نمی‌شود داد) یا اینکه تقاضای برگزاری مزایده جدید می‌کنند.

نکته: اگر از قیمت‌گذاری که توسط کارشناس رسمی انجام شده شش ماه گذشته باشد باید دوباره قیمت گذاشته شود توسط کارشناس.

محکوم‌علیه می‌تواند به قیمتی که کارشناس روی مال گذاشت اعتراض کند که در این حالت کارشناس ۳ الی ۵ نفره می‌آیند و بر روی ماشین قیمت می‌گذارند. حال ممکن است قیمت ماشین هم تغییر نکند ولی محکوم‌علیه این حق را دارد که در این صورت هزینه کارشناس را باید خود محکوم‌علیه بدهد.

نکته: محکوم‌علیه وظیفه دارد فقط هزینه یک بار آگهی را پرداخت کند. اگر محکوم‌له بخواهد بیشتر منتشر شود باید هزینه‌اش را خودش بدهد.

تقاضای تجدید مزایده را بکند یعنی یک بار دیگر مزایده برگزار شود به همان شیوه که گفته شد. حالا اگر دفعه دوم مزایده برگزار شد و مشتری پیدا شد که به مشتری می‌دهند. اگر مشتری پیدا نشد و محکوم‌له هم حداقل به قیمت پایه آن مال را برنداشت دیگر مزایده سومی برگزار نمی‌شود. بلکه مال را به محکوم‌علیه پس می‌دهند و محکوم‌علیه اگر مال دیگری داشته باشد باید یک مال دیگر معرفی کند و اگر مال نداشته باشد تقاضای اعسار می‌دهد و محکوم‌علیه باید به طور اقساط محکوم‌به را بپردازد و اگر اقساط را نداد حبس و غیره اتفاق می‌افتد.





قانون اجرای احکام مدنی

مصوب ۱۳۵۶، ۸، ۱

فصل اول - قواعد عمومی

مبحث اول - مقدمات اجرا

ماده ۱ - هیچ حکمی از احکام دادگاههای دادگستری به موقع اجرا گذارده نمی شود مگر این که قطعی شده یا قرار اجرای موقت آن در مواردی که قانون معین می کند صادر شده باشد.

ماده ۲ - احکام دادگاههای دادگستری وقتی به موقع اجرا گذارده می شود که به محکوم علیه یا وکیل یا قائم مقام قانونی او ابلاغ شده و محکوم له یا نماینده و یا قائم مقام قانونی او کتباً این تقاضا را از دادگاه بنماید.

ماده ۳ - حکمی که موضوع آن معین نیست قابل اجراء نمی باشد.

ماده ۴ - اجرای حکم با صدور اجراییه به عمل می آید مگر این که در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

در مواردی که دادگاه جنبه اعلامی داشته و مستلزم انجام عملی از طرف محکوم علیه نیست از قبیل اعلام اصالت یا بطلان سند اجراییه صادر نمی شود همچنین در مواردی که سازمانها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت طرف دعوی نبوده ولی اجرای حکم باید به وسیله آنها صورت گیرد صدور اجراییه لازم نیست و سازمانها و مؤسسات مزبور مکلفند به دستور دادگاه حکم را اجرا کنند.

ماده ۵ - صدور اجراییه با دادگاه نخستین است.

ماده ۶ - در اجراییه نام و نام خانوادگی و محل اقامت محکوم له و محکوم علیه و مشخصات حکم و موضوع آن و این که پرداخت حق اجرا به عهده محکوم علیه می باشد نوشته شده و به امضاء رییس دادگاه و مدیر دفتر رسیده به مهر دادگاه ممهور و برای ابلاغ فرستاده می شود.

ماده ۷ - برگهای اجراییه به تعداد محکوم علیه به علاوه دو نسخه صادر می شود یک نسخه از آن در پرونده دعوی و نسخه دیگر پس از ابلاغ به محکوم علیه در پرونده اجرایی بایگانی می گردد و یک نسخه نیز در موقع ابلاغ به محکوم علیه داده می شود.

ماده ۸ - ابلاغ اجراییه طبق مقررات آیین دادرسی مدنی به عمل می آید و آخرین محل ابلاغ به محکوم علیه در پرونده دادرسی برای ابلاغ اجراییه سابقه محسوب است.

ماده ۹ - در مواردی که ابلاغ اوراق راجع به دعوی طبق ماده ۱۰۰ قانون آیین دادرسی مدنی به عمل آمده و تا قبل از صدور اجراییه محکوم علیه محل اقامت خود را به دادگاه



اعلام نکرده باشد مفاد اجراییه یک نوبت به ترتیب مقرر در مادتين ۱۱۸ و ۱۱۹ این قانون آگهی می‌گردد و ده روز پس از آن به موقع اجرا گذاشته می‌شود. در این صورت برای عملیات اجرایی ابلاغ یا اخطار دیگری به محکوم‌علیه لازم نیست مگر این که محکوم‌علیه محل اقامت خود را کتباً به قسمت اجرا اطلاع دهد. مفاد این ماده باید در آگهی مزبور قید شود.

ماده ۱۰ - اگر محکوم‌علیه قبل از ابلاغ اجراییه محجور یا فوت شود اجراییه حسب مورد به ولی: قیم، امین، وصی، ورثه یا مدیر ترکه او ابلاغ می‌گردد و هر گاه حجر یا فوت محکوم‌علیه بعد از ابلاغ اجراییه باشد مفاد اجراییه و عملیات انجام شده به وسیله ابلاغ اخطاریه آنها اطلاع داده خواهد شد.

ماده ۱۱ - هر گاه در صدور اجراییه اشتباهی شده باشد دادگاه می‌تواند رأساً یا به درخواست هر یک از طرفین به اقتضای مورد اجراییه را ابطال یا تصحیح نماید یا عملیات اجرایی را الغاء کند و دستور استرداد مورد اجرا را بدهد.

مبحث دوم - دادورزها (مأمورین اجرا)

ماده ۱۲ - مدیر اجرا تحت ریاست و مسئولیت دادگاه انجام وظیفه می‌کند و به قدر لزوم و تحت نظر خود دادورز (مأمور اجرا) خواهد داشت.

ماده ۱۳ - اگر دادگاه دادورز (مأمور اجرا) نداشته باشد و یا دادورز (مأمور اجرا) به تعداد کافی نباشد می‌توان احکام را به وسیله مدیر دفتر یا کارمندان دیگر دادگاه یا مأمورین شهربانی یا ژاندارمری اجراء کرد.

ماده ۱۴ - در صورتی که حین اجرای حکم نسبت به دادورزها (مأمورین اجرا) مقاومت یا سوء رفتاری شود می‌توانند حسب مورد از مأمورین شهربانی، ژاندارمری و یا دژبانی برای اجرای حکم کمک بخواهند، مأمورین مزبور مکلف به انجام آن می‌باشند.

ماده ۱۵ - هر گاه مأمورین مذکور در ماده قبل درخواست دادورز (مأمور اجرا) را انجام ندهند دادورز (مأمور اجرا) صورت مجلسی در این خصوص تنظیم می‌کند تا توسط مدیر اجرا برای تعقیب به مرجع صلاحیتدار فرستاده شود.

ماده ۱۶ - هر گاه نسبت به دادورز (مأمور اجرا) حین انجام وظیفه توهین یا مقاومت شود مأمور مزبور صورت مجلسی تنظیم نموده به امضاء شهود و مأمورین انتظامی (در صورتی که حضور داشته باشند) می‌رساند.

ماده ۱۷ - کسانی که مانع دادورز (مأمور اجرا) از انجام وظیفه شوند علاوه بر مجازات مقرر در قوانین کیفری مسئول خسارات ناشی از عمل خود نیز می‌باشند.

ماده ۱۸ - مدیران و دادورزها (مأمورین اجرا) در موارد زیر نمی‌توانند قبول مأموریت نمایند.



- ۱ - امر اجرا راجع به همسر آنها باشد.
- ۲ - امر اجرا راجع به اشخاصی باشد که مدیر و یا دادورز (مأمور اجرا) با آنان قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم دارد.
- ۳ - مدیر یا دادورز (مأمور اجرا) قیم یا وصی یکی از طرفین یا کفیل امور او باشد.
- ۴ - وقتی که امر اجرا راجع به کسانی باشد که بین آنان و مدیر یا دادورز (مأمور اجرا) یا همسر آنان دعوی مدنی یا کیفری مطرح است.
- در هر یک از موارد مذکور در این ماده اجرای حکم از طرف رییس دادگاه به مدیر یا دادورز (مأمور اجرا) دیگری محول می شود و اگر در آن حوزه مدیر یا مأمور دیگری نباشد اجرای حکم به وسیله مدیر دفتر یا کارمند دیگر دادگاه یا حسب مورد مأموران شهربانی و ژاندارمری به عمل خواهد آمد.
- مبحث سوم - ترتیب اجرا
- ماده ۱۹ - اجراییه به وسیله قسمت اجرا دادگاهی که آن را صادر کرده به موقع اجرا گذاشته می شود.
- ماده ۲۰ - هر گاه تمام یا قسمتی از عملیات اجرایی باید در حوزه دادگاه دیگری به عمل آید مدیر اجرا انجام عملیات مزبور را به قسمت اجرا دادگاه آن حوزه محول می کند.
- ماده ۲۱ - مدیر اجرا برای اجرای حکم پرونده ای تشکیل می دهد تا اجراییه و تقاضاها و کلیه برگهای مربوط، به ترتیب در آن بایگانی شود.
- ماده ۲۲ - طرفین می توانند پرونده اجرایی را ملاحظه و از محتویات آن رونوشت یا فتوکپی بگیرند هزینه رونوشت یا فتوکپی به میزان مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی اخذ می شود.
- ماده ۲۳ - پس از ابلاغ اجراییه مدیر اجراء نام دادورز (مأمور اجرا) را در ذیل اجراییه نوشته و عملیات اجرایی را به عهده او محول می کند.
- ماده ۲۴ - دادورز (مأمور اجرا) بعد از شروع به اجرا نمی تواند اجرای حکم را تعطیل یا توقیف یا قطع نماید یا به تأخیر اندازد مگر به موجب قراردادگاهی که دستور اجرای حکم را داده یا دادگاهی که صلاحیت صدور دستور تأخیر اجرای حکم را دارد یا با ابراز رسید محکوم له دائر به وصول محکوم به یا رضایت کتبی او در تعطیل یا توقیف یا قطع یا تأخیر اجراء.
- ماده ۲۵ - هر گاه در جریان اجرای حکم اشکالی پیش آید دادگاهی که حکم تحت نظر آن اجراء می شود رفع اشکال می نماید.
- ماده ۲۶ - اختلاف ناشی از اجرای احکام راجع به دادگاهی است که حکم توسط آن دادگاه اجرا می شود.



ماده ۲۷ - اختلافات راجع به مفاد حکم همچنین اختلافات مربوط به اجرای احکام که از اجمال یا ابهام حکم یا محکوم به حادث شود در دادگاهی که حکم را صادر کرده رسیدگی می‌شود.

ماده ۲۸ - رأی داوری که موضوع آن معین نیست قابل اجراء نمی‌باشد.
مرجع رفع اختلاف ناشی از اجرای رأی داوری دادگاهی است که اجراییه صادر کرده است.
ماده ۲۹ - در مورد حدوث اختلاف در مفاد حکم هر یک از طرفین می‌تواند رفع اختلاف را از دادگاه بخواهد. دادگاه در وقت فوق‌العاده رسیدگی و رفع اختلاف می‌کند و در صورتی که محتاج رسیدگی بیشتری باشد رونوشت درخواست را به طرف مقابل ابلاغ نموده طرفین را در جلسه خارج از نوبت برای رسیدگی دعوت می‌کند ولی عدم حضور آنها باعث تأخیر رسیدگی نخواهد شد.

ماده ۳۰ - درخواست رفع اختلاف موجب تأخیر اجرای حکم نخواهد شد مگر این که دادگاه قرار تأخیر اجرای حکم را صادر نماید.

ماده ۳۱ - هر گاه محکوم‌علیه فوت یا محجور شود عملیات اجرایی حسب مورد تا زمان معرفی ورثه، ولی، وصی، قیم محجور یا امین و مدیر ترکه متوقف می‌گردد و قسمت اجرا به محکوم‌له اخطار می‌کند تا اشخاص مذکور را با ذکر نشانی و مشخصات کامل معرفی نماید و اگر مالی توقیف نشده باشد دادورز (مأمور اجرا) می‌تواند به درخواست محکوم‌له معادل محکوم به از ترکه متوفی یا اموال محجور توقیف کند.

ماده ۳۲ - حساب مواعد مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی است و مدتی که عملیات اجرایی توقیف می‌شود به حساب نخواهد آمد.

ماده ۳۳ - هر گاه محکوم‌علیه بازرگان بوده و در جریان اجراء ورشکسته شود مراتب از طرف مدیر اجرا به اداره تصفیه یا مدیر تصفیه اعلام می‌شود تا طبق مقررات راجع به تصفیه امور ورشکستگی اقدام گردد.

ماده ۳۴ - همین که اجراییه به محکوم‌علیه ابلاغ شد محکوم‌علیه مکلف است ظرف ده روز مفاد آن را به موقع اجرا بگذارد یا ترتیبی برای پرداخت محکوم به بدهد یا مالی معرفی کند که اجرای حکم و استیفاء محکوم به از آن میسر باشد و در صورتی که خود را قادر به اجرای مفاد اجراییه نداند باید ظرف مهلت مزبور جامع دارایی خود را به قسمت اجرا تسلیم کند و اگر مالی ندارد صریحاً اعلام نماید هر گاه ظرف سه سال بعد از انقضاء مهلت مذکور معلوم شود که محکوم‌علیه قادر به اجرای حکم و پرداخت محکوم به بوده لیکن برای فرار از آن اموال خود را معرفی نکرده یا صورت خلاف واقع از دارایی خود داده به نحوی که اجرای تمام یا قسمتی از مفاد اجراییه متعسر گردیده باشد به حبس جنبه‌ای از شصت و یک روز تا شش ماه محکوم خواهد شد.



تبصره - شخص ثالث نیز می تواند به جای محکوم علیه برای استیفای محکوم به مالی معرفی کند.

ماده ۳۵ - بدهکاری که در مدت مذکور قادر به پرداخت بدهی خود نبوده مکلف است هر موقع که به تأدیه تمام یا قسمتی از بدهی خود متمکن گردد آن را بپردازد و هر بدهکاری که ظرف سه سال از تاریخ انقضای مهلت مقرر قادر به پرداخت تمام یا قسمتی از بدهی خود شده و تا یک ماه از تاریخ امکان پرداخت آن را نپردازد و یا مالی به مسئول اجرا معرفی نکند به مجازات مقرر در ماده قبل محکوم خواهد شد.

تبصره ۱ - محکوم له می تواند بعد از ابلاغ اجراییه و قبل از انقضای مهلت مقرر در مواد قبل اموال محکوم علیه را برای تأمین محکوم به به قسمت اجرا معرفی کند و قسمت اجرا مکلف به قبول آن است. پس از انقضای مهلت مزبور نیز در صورتی که محکوم علیه مالی معرفی نکرده باشد که اجرای حکم و استیفای محکوم به از آن میسر باشد محکوم له می تواند هر وقت مالی از محکوم علیه به دست آید استیفای محکوم به را از آن مال بخواهد.

تبصره ۲ - تعقیب کیفری جرائم مندرج در مواد ۳۴ و ۳۵ منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت او تعقیب یا اجرای مجازات موقوف می گردد.

ماده ۳۶ - در مواردی که مفاد اجراییه از طریق انتشار آگهی به محکوم علیه ابلاغ می شود در صورتی که به اموال او دسترسی باشد به تقاضای محکوم له معادل محکوم به از اموال محکوم علیه توقیف می شود.

ماده ۳۷ - محکوم له می تواند طریق اجرای حکم را به دادورز (مأمور اجرا) ارائه دهد و در حین عملیات اجرایی حاضر باشد ولی نمی تواند دراموری که از وظایف دادورز (مأمور اجرا) است دخالت نماید.

ماده ۳۸ - دادورز (مأمور اجرا) محکوم به را به محکوم له تسلیم نموده برگ رسید می گیرد و هر گاه محکوم به نباید به مشارالیه داده شود یا دسترسی به محکوم له نباشد مراتب را جهت صدور دستور مقتضی به دادگاهی که اجراییه صادر کرده است اعلام می کند.

ماده ۳۹ - هر گاه حکمی که به موقع اجرا گذارده شده بر اثر فسخ یا نقض یا اعاده دادرسی به موجب حکم نهایی بلاثر شود عملیات اجرایی به دستور دادگاه اجراکننده حکم به حالت قبل از اجرا بر می گردد و در صورتی که محکوم به عین معین بوده و استرداد آن ممکن نباشد دادورز (مأمور اجرا) مثل یا قیمت آن را وصول می نماید.

اعاده عملیات اجرایی به دستور دادگاه به ترتیبی که برای اجرای حکم مقرر است بدون صدور اجراییه به عمل می آید.



ماده ۴۰ - محکوم‌له و محکوم‌علیه می‌تواند برای اجرای حکم قراری گذارده و مراتب را به قسمت اجرا اعلام دارند.

ماده ۴۱ - هر گاه محکوم‌علیه طوعاً حکم دادگاه را اجرا نماید دادورز (مأمور اجرا) به ترتیب مقرر در این قانون اقدام به اجرای حکم می‌کند.

ماده ۴۲ - هر گاه محکوم به عین معین منقول یا غیر منقول بوده و تسلیم آن به محکوم‌له ممکن باشد دادورز (مأمور اجرا) عین آن را گرفته و به محکوم‌له می‌دهد.

ماده ۴۳ - در مواردی که حکم خلع ید علیه متصرف ملک مشاع به نفع مالک قسمتی از ملک مشاع صادر شده باشد از تمام ملک خلع ید می‌شود، ولی تصرف محکوم‌له در ملک خلع ید شده مشمول مقررات املاک مشاعی است.

ماده ۴۴ - اگر عین محکوم به در تصرف کسی غیر از محکوم‌علیه باشد این امر مانع اقدامات اجرایی نیست مگر این که متصرف مدعی حقی از عین یا منافع آن بوده و دلائلی هم ارائه نماید در این صورت دادورز (مأمور اجرا) یک هفته به او مهلت می‌دهد تا به دادگاه صلاحیتدار مراجعه کند و در صورتی که ظرف پانزده روز از تاریخ مهلت مذکور قراری دائر به تأخیر اجرای حکم به قسمت اجرا ارائه نگردد عملیات اجرایی ادامه خواهد یافت.

ماده ۴۵ - هر گاه در محلی که باید خلع ید شود اموالی از محکوم‌علیه یا شخص دیگری باشد و صاحب مال از بردن آن خودداری کند و یا به اودسترسی نباشد دادورز (مأمور اجرا) صورت تفصیلی اموال مذکور را تهیه و به ترتیب زیر عمل می‌کند:

۱ - اسناد و اوراق بهادار و جواهر و وجه نقد به صندوق دادگستری یا یکی از بانکها سپرده می‌شود.

۲ - اموال ضایع شدنی و اشیایی که بهای آنها متناسب با هزینه نگهداری نباشد به فروش رسیده و حاصل فروش پس از کسر هزینه‌های مربوط به صندوق دادگستری سپرده می‌شود تا به صاحب آن مسترد گردد.

۳ - در مورد سایر اموال دادورز (مأمور اجرا) آنها را در همان محل یا محل مناسب دیگری محفوظ نگاهداشته و یا به حافظ سپرده و رسید دریافت می‌دارد.

ماده ۴۶ - اگر محکوم به عین معین بوده و تلف شده و یا به آن دسترسی نباشد قیمت آن با تراضی طرفین و در صورت عدم تراضی به وسیله دادگاه تعیین و طبق مقررات این قانون از محکوم‌علیه وصول می‌شود و هر گاه محکوم‌به قابل تقویم نباشد محکوم‌له می‌تواند دعوی خسارت اقامه نماید.

ماده ۴۷ - هر گاه محکوم به انجام عمل معینی باشد و محکوم‌علیه از انجام آن امتناع ورزد و انجام عمل به توسط شخص دیگری ممکن باشد محکوم‌له می‌تواند تحت نظر دادورز



(مأمور اجرا) آن عمل را وسیله دیگری انجام دهد و هزینه آن را مطالبه کند و یا بدون انجام عمل هزینه لازم را به وسیله قسمت اجرا از محکوم علیه مطالبه نماید. در هر یک از موارد مذکور دادگاه با تحقیقات لازم و در صورت ضرورت با جلب نظر کارشناس میزان هزینه و معین می نماید. وصول هزینه مذکور و حق الزحمه کارشناس از محکوم علیه به ترتیبی است که برای وصول محکوم به نقدی مقرر است.

تبصره - در صورتی که انجام عمل توسط شخص دیگری ممکن نباشد مطابق ماده ۷۲۹ آیین دادرسی مدنی انجام خواهد شد.

ماده ۴۸ - در صورتی که در ملک مورد حکم خلع ید زراعت شده و تکلیف زرع در حکم معین نشده باشد به ترتیب زیر رفتار می شود:

اگر موقع برداشت محصول رسیده باشد محکوم علیه باید فوراً محصول را بردارد والا دادورز (مأمور اجرا) اقدام به برداشت محصول نموده و هزینه های مربوط را تا زمان تحویل محصول به محکوم علیه از او وصول می نماید. هرگاه موقع برداشت محصول نرسیده باشد اعم از این که بذر روییده یا نرویده باشد محکوم له مخیر است که بهای زراعت را بپردازد و ملک را تصرف کند یا ملک را تا زمان رسیدن محصول به تصرف محکوم علیه باقی بگذارد و اجرت المثل بگیرد. تشخیص بهای زراعت و اجرت المثل با دادگاه خواهد بود و نظر دادگاه در این مورد قطعی است.

فصل دوم - توقیف اموال

مبحث اول - مقررات عمومی

ماده ۴۹ - در صورتی که محکوم علیه در موعدی که برای اجرای حکم مقرر است مدلول حکم را طوعاً اجرا ننماید یا قراری با محکوم له برای اجرای حکم ندهد و مالی هم معرفی نکند یا مالی از او تأمین و توقیف نشده باشد محکوم له می تواند درخواست کند که از اموال محکوم علیه معادل محکوم به توقیف گردد.

ماده ۵۰ - دادورز (مأمور اجرا) باید پس از درخواست توقیف بدون تأخیر اقدام به توقیف اموال محکوم علیه نماید و اگر اموال در حوزه دادگاه دیگری باشد توقیف آن را از قسمت اجرای دادگاه مذکور بخواهد.

ماده ۵۱ - از اموال محکوم علیه به میزانی توقیف می شود که معادل محکوم به و هزینه های اجرایی باشد ولی هرگاه مال معرفی شده ارزش بیشتری داشته و قابل تجزیه نباشد تمام آن توقیف خواهد شد در این صورت اگر مال غیر منقول باشد مقدار مشاعی از آن که معادل محکوم به و هزینه های اجرایی باشد توقیف می گردد.

ماده ۵۲ - اگر مالی از محکوم علیه تأمین و توقیف شده باشد استیفاء محکوم به از همان مال به عمل می آید مگر آن که مال تأمین شده تکافوی محکوم به را نکند که در این صورت



معادل بقیه محکوم به از سایر اموال محکوم علیه توقیف می گردد.

ماده ۵۳ - هر گاه مالی از محکوم علیه در قبال خواسته یا محکوم به توقیف شده باشد محکوم علیه می تواند یک بار تا قبل از شروع به عملیات راجع به فروش درخواست تبدیل مالی را که توقیف شده است به مال دیگری بنماید مشروط بر این که مالی که پیشنهاد می شود از حیث قیمت و سهولت فروش از مالی که قبلاً توقیف شده است کمتر نباشد. محکوم له نیز می تواند یک بار تا قبل از شروع به عملیات راجع به فروش درخواست تبدیل مال توقیف شده را بنماید. در صورتی که محکوم علیه یا محکوم له به تصمیم قسمت اجرا معترض باشند می توانند به دادگاه صادر کننده اجراییه مراجعه نمایند. تصمیم دادگاه در این مورد قطعی است.

ماده ۵۴ - اگر مالی که توقیف آن تقاضا شده وثیقه دینی بوده یا در مقابل طلب دیگری توقیف شده باشد قسمت اجرا به درخواست محکوم له توقیف مازاد ارزش مال مزبور را حسب مورد به اداره ثبت یا مرجعی که قبلاً مال را توقیف کرده است اطلاع می دهد در این صورت اگر مال دیگری به تقاضای محکوم له توقیف شود که تکافوی طلب او را بنماید از توقیف مازاد رفع اثر خواهد شد. در صورت فک وثیقه یا رفع توقیف اصل مال، توقیف مازاد خود به خود به توقیف اصل مال تبدیل می شود. در این مورد هر گاه محکوم علیه به عنوان عدم تناسب بهای مال با میزان بدهی معترض باشد به هزینه او مال ارزیابی شده از مقدار زائد بر بدهی رفع توقیف خواهد شد.

ماده ۵۵ - در مورد مالی که وثیقه بوده یا در مقابل مطالباتی توقیف شده باشد محکوم له می تواند تمام دیون و خسارات قانونی را با حقوق دولت حسب مورد در صندوق ثبت یا دادگستری تودیع نموده تقاضای توقیف مال و استیفای حقوق خود را از آن بنماید در این صورت وثیقه و توقیفهای سابق فک و مال بابت طلب او و مجموع وجوه تودیع شده بلافاصله توقیف می شود.

ماده ۵۶ - هر گونه نقل و انتقال اعم از قطعی و شرطی و رهنی نسبت به مال توقیف شده باطل و بلا اثر است.

ماده ۵۷ - هر گونه قرارداد یا تعهدی که نسبت به مال توقیف شده بعد از توقیف به ضرر محکوم له منعقد شود نافذ نخواهد بود مگر این که محکوم له کتباً رضایت دهد.

ماده ۵۸ - در صورتی که محکوم علیه، محکوم به و خسارات قانونی را تأدیه نماید قسمت اجرا از مال توقیف شده رفع توقیف خواهد کرد.

ماده ۵۹ - محکوم علیه می تواند با نظارت دادورز (مأمور اجرا) مال توقیف شده را بفروشد مشروط بر این که حاصل فروش به تنهایی برای پرداخت محکوم به و هزینه های اجرایی کافی باشد و اگر مال در مقابل قسمتی از محکوم به توقیف شده حاصل فروش نباشد از



مبلغی که در قبال آن توقیف به عمل آمده کمتر باشد.

ماده ۶۰ - عدم حضور محکوم له و محکوم علیه مانع از توقیف مال نمی شود ولی توقیف مال به طرفین اعلام خواهد شد.

مبحث دوم - در توقیف اموال منقول

ماده ۶۱ - مال منقولی که در تصرف کسی غیر از محکوم علیه باشد و متصرف نسبت به آن ادعای مالکیت کند یا آن را متعلق به دیگری معرفی نماید به عنوان مال محکوم علیه توقیف نخواهد شد.

در صورتی که خلاف ادعای متصرف ثابت شود مسئول جبران خسارت محکوم له خواهد بود.

ماده ۶۲ - اموال منقولی که خارج از محل سکونت یا محل کار محکوم علیه باشد در صورتی توقیف می شود که دلائل و قرائن کافی بر احراز مالکیت او در دست باشد.

ماده ۶۳ - از اموال منقول موجود در محل سکونت زوجین آنچه معمولاً و عادتاً مورد استفاده اختصاصی زن باشد متعلق به زن و آنچه مورد استفاده اختصاصی مرد باشد متعلق به شوهر و بقیه از نظر مقررات این قانون مشترک بین آنان محسوب می شود مگر این که خلاف آن ثابت گردد.

ماده ۶۴ - اگر مال معرفی شده در جایی باشد که در آن بسته باشد و از باز کردن آن خودداری نمایند دادورز (مأمور اجرا) با حضور مأمور شهربانی یا ژاندارمری یا دهبان محل اقدام لازم برای باز کردن در و توقیف مال معمول می دارد و در مورد باز کردن محلی که کسی در آن نیست حسب مورد نماینده دادستان یا دادگاه بخش مستقل نیز باید حضور داشته باشد.

ماده ۶۵ - اموال زیر برای اجرای حکم توقیف نمی شود:

۱ - لباس و اشیاء و اسبابی که برای رفع حوائج ضروری محکوم علیه و خانواده او لازم است.

۲ - آذوقه به قدر احتیاج یک ماهه محکوم علیه و اشخاص واجب النفقه او.

۳ - وسائل و ابزار کار ساده کسبه و پیشه وران و کشاورزان.

۴ - اموال و اشیایی که به موجب قوانین مخصوص غیر قابل توقیف می باشند.

تبصره - تصنیفات و تألیفات و ترجمه هایی که هنوز به چاپ نرسیده بدون رضایت مصنف و مؤلف و مترجم و در صورت فوت آنها بدون رضایت ورثه یا قائم مقام آنان توقیف نمی شود.

ماده ۶۶ - اموال ضایع شدنی بلافاصله و اموالی که ادامه توقیف آن مستلزم هزینه نامتناسب یا کسر فاحش قیمت است فوراً ارزیابی و با تصویب دادگاه بدون رعایت



تشریفات راجع به توقیف و مزایده به فروش می‌رسد لیکن قبل از فروش باید صورتی از اموال مزبور برداشته شود.

مبحث سوم - صورت‌برداری اموال منقول

ماده ۶۷ - دادورز (مأمور اجرا) باید قبل از توقیف اموال منقول، صورتی که مشتمل بر وصف کامل اموال از قبیل نوع - عدد - وزن - اندازه و غیره که با تمام حروف و اعداد باشد تنظیم نماید، در مورد طلا و نقره عیار آنها (هر گاه عیار آنها معین باشد) و در جواهرات اسامی و مشخصات آنها و در کتاب، نام کتاب و مؤلف و مترجم و خطی یا چاپی بودن آن با ذکر تاریخ تحریر یا چاپ و در تصویر و پرده نقاشی خصوصیات و اسم نقاش (اگر معلوم باشد) و در مصنوعات، ساخت و مدل و در مورد فرش بافت و رنگ و در مورد سهام و اوراق بهادار نوع و تعداد و مبلغ اسمی آن و به طور کلی در هر مورد مشخصات و خصوصیات که معرف کامل مال باشد نوشته می‌شود.

ماده ۶۸ - تراشیدن و پاک کردن و الحاق و نوشتن بین سطرها در صورت اموال ممنوع است و اگر سهو و اشتباهی رخ داده باشد دادورز (مأمور اجرا) در ذیل صورت آن را تصحیح و به امضاء حاضران می‌رساند.

ماده ۶۹ - هر گاه اشخاص ثالث نسبت به اموالی که توقیف می‌شود اظهار حقی نمایند دادورز (مأمور اجرا) مشخصات اظهارکننده و خلاصه اظهارات او را قید می‌کند.

ماده ۷۰ - هر گاه محکوم‌له و محکوم‌علیه یا نماینده قانونی آنها حاضر بوده و راجع به تنظیم صورت ایراد و اظهاری نمایند دادورز (مأمور اجرا) ایراد و اظهار آنان را با جهات رد یا قبول در آخر صورت قید می‌کند. طرفین اگر حاضر باشند ظرف یک هفته از تاریخ تنظیم صورت حق شکایت خواهند داشت والا صورت اموال از طرف قسمت اجرا به طرف غایب ابلاغ می‌شود و طرف غایب حق دارد ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ شکایت نماید. ماده ۷۱ - در صورت اموال باید تاریخ و ساعت شروع و ختم عمل نوشته شود و به امضاء دادورز (مأمور اجرا) و حاضران برسد هر گاه محکوم‌له و محکوم‌علیه یا نماینده قانونی آنها از امضاء ذیل صورت اموال امتناع نمایند مراتب در صورت قید می‌شود.

ماده ۷۲ - دادورز (مأمور اجرا) به تقاضای محکوم‌له یا محکوم‌علیه رونوشت گواهی شده از صورت اموال را به آنها خواهد داد.

مبحث چهارم - ارزیابی اموال منقول

ماده ۷۳ - ارزیابی اموال منقول حین توقیف به عمل می‌آید و در صورت اموال درج می‌شود قیمت اموال را محکوم‌له و محکوم‌علیه به تراضی تعیین می‌نمایند و هر گاه طرفین حین توقیف حاضر نباشند یا حاضر بوده و در تعیین قیمت تراضی ننمایند ارزیاب معین می‌شود.



ماده ۷۴ - ارزیاب به تراضی طرفین معین می‌شود. در صورت عدم تراضی یا عدم حضور محکوم‌علیه دادورز (مأمور اجرا) از بین کارشناسان رسمی و در صورت نبودن کارشناس رسمی از بین اشخاص معتمد و خبره ارزیاب معین می‌کند و هر گاه در حین توقیف به ارزیاب دسترسی نباشد قیمتی که محکوم‌له تعیین کرده برای توقیف مال ملاک عمل قرار خواهد بود. در این صورت دادورز (مأمور اجرا) به قید فوریت نسبت به تعیین ارزیاب و تقویم مال اقدام خواهد کرد.

ماده ۷۵ - قسمت اجرا ارزیابی را بلافاصله به طرفین ابلاغ می‌نماید. هر یک از طرفین می‌تواند ظرف سه روز از تاریخ ابلاغ ارزیابی به نظریه ارزیاب اعتراض نماید، این اعتراض در دادگاهی که حکم به وسیله آن اجرا می‌شود، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و در صورت ضرورت با تجدید ارزیابی قیمت مال معین می‌شود، تشخیص دادگاه در این مورد قطعی است.

ماده ۷۶ - حق الزحمه ارزیاب با در نظر گرفتن کمیت و کیفیت و ارزش کار به وسیله دادورز (مأمور اجرا) معین می‌گردد و پرداخت آن به عهده محکوم‌علیه است. هر گاه نسبت به میزان حق الزحمه اعتراضی باشد دادگاه در این مورد تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد. هر گاه محکوم‌علیه از پرداخت حق الزحمه ارزیاب امتناع نماید محکوم‌له می‌تواند آن را بپردازد. در این صورت دادورز (مأمور اجرا) وجه مزبور را ضمن اجرای حکم از محکوم‌علیه وصول و به محکوم‌له خواهد داد. پرداخت حق الزحمه در مورد ماده قبل به عهده معترض است و اگر ظرف سه روز از تاریخ ابلاغ اخطار نپردازد به اعتراض او ترتیب اثر نخواهد شد.

مبحث پنجم - حفظ اموال منقول توقیف شده

ماده ۷۷ - اموال توقیف شده در همان جا که هست حفظ می‌شود مگر این که نقل اموال به محل دیگری ضرورت داشته باشد.

ماده ۷۸ - اموال توقیف شده برای حفاظت به شخص مسئولی سپرده می‌شود. حافظ با توافق طرفین تعیین می‌گردد و در صورتی که طرفین حین توقیف حاضر نباشند و یا در انتخاب حافظ تراضی ننمایند دادورز (مأمور اجرا) شخص قابل اعتمادی را معین می‌کند. اوراق بهادار و جواهر و امثال آنها در صورت اقتضا در یکی از بانکها به امانت گذاشته می‌شود.

ماده ۷۹ - اموال توقیف شده بدون تراضی کتبی طرفین به اشخاص ذیل سپرده نمی‌شود:

- ۱ - اقربای سببی و نسبی دادورز (مأمور اجرا) تا درجه سوم.

- ۲ - محکوم‌له و محکوم‌علیه و همسر آنان و کسانی که با طرفین قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم دارند.



- ماده ۸۰ - اموال توقیف شده و رونوشت صورت اموال به شخصی که مسئولیت حفظ را به عهده گرفته تحویل و رسید اخذ می‌گردد.
- ماده ۸۱ - شخص حافظ می‌تواند اجرت بخواهد و هر گاه در میزان اجرت تراضی نشود مدیر اجراء با توجه به کمیت و کیفیت مال و مدت حفاظت میزان آن را تعیین می‌نماید.
- ماده ۸۲ - اجرت حافظ را اگر محکوم‌علیه تأدیه نکند محکوم‌له می‌پردازد و از حاصل فروش اشیاء توقیف شده استیفاء می‌نماید. در صورت مطالبه اجرت از طرف حافظ و عدم تأدیه آن مدیر اجراء به محکوم‌له اخطار می‌کند که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اخطار اجرت حافظ را بپردازد.
- ماده ۸۳ - حافظ نسبت به اموال توقیف شده امین است و حق ندارد اموال توقیف شده را مورد استفاده قرار داده یا به کسی بدهد و به طور کلی هرگاه حافظ مرتکب تعدی یا تفریط گردد مسئول پرداخت خسارت وارده بوده و حق مطالبه اجرت هم نخواهد داشت.
- ماده ۸۴ - هر گاه اموال توقیف شده منافی داشته باشد حافظ باید حساب آن را بدهد.
- ماده ۸۵ - در صورتی که حافظ از تسلیم اموال توقیف شده امتناع کند از تاریخ امتناع ضامن محسوب است و دادورز (مأمور اجرا) معادل ارزش مال توقیف شده را از اموال حافظ استیفاء می‌نماید.
- ماده ۸۶ - هر گاه حافظ نخواهد یا نتواند اموال توقیف شده را نگهداری کند و یا اوضاع و احوال تغییر او را ایجاب نماید دادورز (مأمور اجرا) پس از تصویب دادگاه حافظ دیگری معین خواهد کرد.
- مبحث ششم - توقیف اموال منقول محکوم‌علیه که نزد شخص ثالث است
- ماده ۸۷ - هر گاه مال متعلق به محکوم‌علیه نزد شخص ثالث اعم از حقوقی یا حقیقی باشد یا مورد درخواست توقیف، طلبی باشد که محکوم‌علیه از شخص ثالث دارد اخطاری در باب توقیف مال یا طلب و میزان آن به پیوست رونوشت اجراییه به شخص ثالث ابلاغ و رسید دریافت می‌شود و مراتب فوراً به محکوم‌علیه نیز ابلاغ می‌گردد.
- ماده ۸۸ - شخص ثالث پس از ابلاغ اخطار توقیف نباید مال یا طلب توقیف شده را به محکوم‌علیه بدهد و مکلف است طبق دستور مدیر اجرا عمل نماید، در صورت تخلف مسئول جبران خسارت وارده به محکوم‌له خواهد بود.
- ماده ۸۹ - هر گاه مالی که نزد شخص ثالث توقیف شده عین معین یا وجه نقد یا طلب حال باشد شخص ثالث باید در صورت مطالبه آن را به دادورز (مأمور اجرا) بدهد و رسید دریافت دارد این رسید به منزله سند تأدیه وجه یا دین یا تحویل عین معین از طرف شخص ثالث به محکوم‌علیه خواهد بود.
- ماده ۹۰ - در موردی که شخص ثالث دین خود را به اقساط یا اجور و عوایدی را به تدریج



به محکوم علیه می پردازد و محکوم له تقاضای استیفاء محکوم به را از آن بنماید دادورز (مأمور اجرا) به شخص ثالث اخطار می کند که اقساط یا عوائد و اجور مقرر را به قسمت اجرا تسلیم نماید.

ماده ۹۱ - هر گاه شخص ثالث منکر وجود تمام یا قسمتی از مال یا طلب یا اجور و عواید محکوم علیه نزد خود باشد باید ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه مراتب را به قسمت اجرا اطلاع دهد.

ماده ۹۲ - هر گاه شخص ثالث به تکلیف مقرر در ماده قبل عمل نکند و یا بر خلاف واقع منکر وجود تمام یا قسمتی از مال یا طلب یا اجور و عوائد محکوم علیه نزد خود گردد و یا اطلاعاتی که داده موافق با واقع نباشد و موجب خسارت شود محکوم له می تواند برای جبران خسارت به دادگاه صلاحیتدار مراجعه نماید.

ماده ۹۳ - اگر شخص ثالث از تسلیم عین مال توقیف شده امتناع نماید و دادورز (مأمور اجرا) به آن مال دسترسی پیدا نکند معادل قیمت آن از دارایی او برای استیفاء محکوم به توقیف خواهد شد.

در صورتی که شخص ثالث مدعی باشد که مال قبل از مطالبه قسمت اجرا بدون تعدی و تفریط او از بین رفته می تواند به دادگاه دادخواست دهد دادگاه در صورتی که دلایل او را موجه تشخیص دهد قراری در باب توقیف عملیات اجرایی تا تعیین تکلیف نهایی صادر می کند.

ماده ۹۴ - هر گاه شخص ثالث از تأدیه وجه نقد یا طلب حال که نزد او توقیف شده امتناع نماید به میزان وجه مزبور از دارایی او توقیف خواهد شد.

ماده ۹۵ - شخص ثالثی که مال محکوم علیه نزد او توقیف شده می تواند مال مزبور را هر وقت بخواهد به قسمت اجرا تسلیم کند و قسمت اجرا باید آن را قبول نماید.

مبحث هفتم - توقیف حقوق مستخدمین

ماده ۹۶ - از حقوق و مزایای کارکنان سازمانها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و شرکتهای دولتی و شهرداریها و بانکها و شرکتهای و بنگاههای خصوصی و نظائر آن در صورتی که داری زن یا فرزند باشند ربع و الا ثلث توقیف می شود.

تبصره ۱ - توقیف و کسر یک چهارم حقوق بازنشستگی یا وظیفه افراد موضوع این ماده جایز است مشروط بر این که دین مربوط به شخص بازنشسته یا وظیفه بگیر باشد.

تبصره ۲ - حقوق و مزایای نظامیانی که در جنگ هستند توقیف نمی شود.

ماده ۹۷ - در مورد ماده فوق مدیر اجرا مراتب را به سازمان مربوط ابلاغ می نماید و رئیس یا مدیر سازمان مکلف است از حقوق و مزایای محکوم علیه کسر نموده و به قسمت اجرا بفرستد.



- ماده ۹۸ - توقیف حقوق و مزایای استخدامی مانع از این نیست که اگر مالی از محکوم علیه معرفی شود برای استیفای محکوم به توقیف گردد ولی اگر مال معرفی شده برای استیفای محکوم به کافی باشد توقیف حقوق و مزایای استخدامی محکوم علیه موقوف می شود.
- مبحث هشتم - توقیف اموال غیر منقول
- ماده ۹۹ - قسمت اجرا توقیف مال غیر منقول را با ذکر شماره پلاک و مشخصات ملک به طرفین و اداره ثبت محل اعلام می کند.
- ماده ۱۰۰ - اداره ثبت پس از اعلام توقیف در صورتی که ملک به نام محکوم علیه ثبت شده باشد مراتب را در دفتر املاک و اگر ملک در جریان ثبت باشد در دفتر ملک بازداشتی و پرونده ثبتی قید نموده به قسمت اجرا اطلاع می دهد و اگر ملک به نام محکوم علیه نباشد فوراً به قسمت اجرا اعلام می دارد.
- ماده ۱۰۱ - توقیف مال غیر منقول که سابقه ندارد به عنوان مال محکوم علیه وقتی جائز است که محکوم علیه در آن تصرف مالکانه داشته باشد. و یا محکوم علیه به موجب حکم نهایی مالک شناخته شده باشد.
- در موردی که حکم بر مالکیت محکوم علیه صادر شده ولی به مرحله نهایی نرسیده باشد توقیف مال مزبور در ازاء بدهی محکوم علیه جایز است ولی ادامه عملیات اجرایی موکول به صدور حکم نهایی است.
- ماده ۱۰۲ - در صورتی که عوائد یک ساله مال غیر منقول به تشخیص دادگاه برای اداء محکوم به و هزینه اجرایی کافی باشد و محکوم علیه حاضر شود که از عوائد آن ملک، محکوم به داده شود عین ملک توقیف نمی شود و فقط عوائد توقیف و محکوم به از آن وصول می گردد، در این صورت قسمت اجراء مکلف است مراتب را به ثبت محل اعلام نماید.
- ماده ۱۰۳ - توقیف مال غیر منقول موجب توقیف منافع آن نمی گردد.
- ماده ۱۰۴ - توقیف محصول املاک و باغات با رعایت مقررات مواد ۲۵۴ تا ۲۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی به عمل می آید.
- مبحث نهم - صورت برداری اموال غیر منقول
- ماده ۱۰۵ - دادورز (مأمور اجرا) پس از توقیف اموال غیر منقول صورت اموال را تنظیم و نسخه ای از آن را به محکوم علیه ابلاغ می نماید تا اگر شکایتی داشته باشد ظرف یک هفته کتباً به قسمت اجراء تسلیم دارد. مدیر اجرا به شکایات مزبور رسیدگی و در صورتی که شکایت وارد باشد صورت مشخصات مال توقیف شده را اصلاح یا تجدید می نماید.
- ماده ۱۰۶ - مراتب زیر باید در صورت اموال غیر منقول قید شود:



- ۱ - تاریخ و مفاد ورقه اجراییه.
- ۲ - محلی که مال غیر منقول در آنجا واقع است.
- ۳ - وصف مال غیر منقول با ذکر مشخصات ملک و مالک و این که ملک مشاع است یا مفروز و اشخاص دیگر نسبت به آن حقی دارند یا نه و اگر حقی دارند چه نوع حقی است و منافع ملک به کسی واگذار شده است یا خیر.
- ۴ - حدود ملک و مجاورین آن.
- ماده ۱۰۷ - در صورتی که مساحت ملک معین نباشد دادورز (مأمور اجرا) مساحت تقریبی آن را در صورت قید می کند.
- ماده ۱۰۸ - محکوم علیه حین تنظیم صورت باید اسناد راجع به ملک یا مال غیر منقول را به دادورز (مأمور اجرا) ارائه دهد.
- ماده ۱۰۹ - هر گاه راجع به تمام یا قسمتی از ملک توقیف شده دعوایی در جریان باشد مراتب در صورت قید و تصریح می شود که دعوی در چه مرجعی مورد رسیدگی است.
- مبحث دهم - ارزیابی و حفظ اموال غیر منقول
- ماده ۱۱۰ - ارزیابی اموال غیر منقول به ترتیب مقرر در مواد ۷۳ تا ۷۶ این قانون به عمل خواهد آمد.
- ماده ۱۱۱ - مال غیر منقول بعد از تنظیم صورت و ارزیابی حسب مورد موقتاً به مالک یا متصرف ملک تحویل می شود و مشارالیه مکلف است ملک را همانطوری که طبق صورت تحویل گرفته تحویل دهد.
- ماده ۱۱۲ - در صورتی که عوائد موجود مال غیر منقول توقیف شود به امینی که طرفین معین کرده اند سپرده می شود و در صورت عدم تراضی به شخص امینی که دادورز (مأمور اجرا) معین می کند سپرده خواهد شد ولی اگر عوائد وجه نقد باشد به قسمت اجرا تسلیم می گردد.
- فصل سوم - فروش اموال توقیف شده
- مبحث اول - فروش اموال منقول
- ماده ۱۱۳ - بعد از تنظیم صورت مال منقول و ارزیابی آن در صورتی که نسبت به محل و موعد فروش بین محکوم له و محکوم علیه تراضی شده باشد به همان ترتیب رفتار می شود و هر گاه بین طرفین تراضی نشده باشد دادورز (مأمور اجرا) مطابق مواد بعد اقدام می کند.
- ماده ۱۱۴ - فروش اموال از طریق مزایده به عمل می آید.
- ماده ۱۱۵ - اگر از طرف دولت یا شهرداری محلی برای فروش اموال منقول معین شده باشد فروش در آن محل به عمل می آید و اگر محلهایی که معین شده است متعدد باشد



فروش در محل به عمل می آید که برای منافع محکوم علیه ترجیح داده باشد و تشخیص این امر با مدیر اجرا است. هر گاه از طرف دولت یا شهرداری محلی برای فروش معین نشده باشد محل فروش را مدیر اجراء معین می کند.

ماده ۱۱۶ - در مواردی که حمل اموال منقول به محل دیگری مخارج زیاد داشته باشد اشیاء توقیف شده در محلی که حفظ می شده به فروش می رسد.

ماده ۱۱۷ - موعده فروش را مدیر اجرا نظر به کمیت و کیفیت اموال توقیف شده معین و آگهی می نماید.

ماده ۱۱۸ - آگهی فروش باید در یکی از روزنامه های محلی یک نوبت منتشر شود.

ماده ۱۱۹ - موعده فروش باید طوری معین شود که فاصله بین انتشار آگهی و روز فروش بیش از یک ماه و کمتر از ده روز نباشد.

ماده ۱۲۰ - در نقاطی که روزنامه نباشد همچنین در مورد اموالی که قیمت آنها بیش از دوست هزار ریال نباشد آگهی به جای انتشار روزنامه به تعداد کافی در معابر الصاق و تاریخ الصاق در صورت مجلس قید می شود.

ماده ۱۲۱ - محکوم له یا محکوم علیه می توانند علاوه بر آگهی که به توسط قسمت اجرا به عمل می آید آگهی دیگری به خرج خود منتشر نماید.

ماده ۱۲۲ - در آگهی فروش مال منقول نکات ذیل تصریح می شود:

۱ - نوع و مشخصات اموال توقیف شده.

۲ - روز و ساعت و محل فروش.

۳ - قیمتی که مزایده از آن شروع می شود.

ماده ۱۲۳ - آگهی باید علاوه بر انتشار در قسمت اجرا و محل فروش هم الصاق شود.

ماده ۱۲۴ - در صورتی که تغییر روز فروش ضرورت پیدا کند مجدداً آگهی خواهد شد.

ماده ۱۲۵ - فروش با حضور دادورز (مأمور اجرا) و نماینده دادسرا به عمل می آید و صورت مجلس فروش به امضاء آنها می رسد.

ماده ۱۲۶ - هر کس می تواند در مدت پنج روز قبل از روزی که برای فروش معین شده است اموالی را که آگهی شده ملاحظه نماید.

ماده ۱۲۷ - محکوم له می تواند مثل سایرین در خرید شرکت نماید ولی ارزیابان و دادورزها (مأمورین اجرا) و سایر اشخاصی که مباشر امر فروش هستند همچنین اقرباء

نسبی و سببی آنان تا درجه سوم نمی توانند در خرید شرکت کنند.

ماده ۱۲۸ - مزایده از قیمتی که به ترتیب مقرر در مواد ۷۳ تا ۷۵ معین شده شروع می شود و مال متعلق به کسی است که بالاترین قیمت را قبول کرده است.

ماده ۱۲۹ - دادورز (مأمور اجرا) می تواند پرداخت بهای اموال را به وعده قرار دهد.



در این صورت برنده مزایده باید ده درصد بها را فی المجلس به عنوان سپرده به قسمت اجرا تسلیم نماید حداکثر مهلت مزبور از یک ماه تجاوز نخواهد کرد و در صورتی که برنده مزایده در موعد مقرر بقیه بهای اموال را نپردازد سپرده او پس از کسر هزینه مزایده به نفع دولت ضبط و مزایده تجدید می گردد.

ماده ۱۳۰ - صاحب مال می تواند تقاضا کند که بعضی از اموال او را مقدم یا مؤخر بفروشند و یا این که خود او بالاترین قیمت پیشنهادی را نقداً پرداخت و از فروش آن جلوگیری نماید.

ماده ۱۳۱ - هر گاه مالی که مزایده از آن شروع می شود خریدار نداشته باشد محکوم له می تواند مال دیگری از محکوم علیه معرفی و تقاضای توقیف و مزایده آن را بنماید یا معادل طلب خود از اموال مورد مزایده به قیمتی که ارزیابی شده قبول کند یا تقاضای تجدید مزایده مال توقیف شده را بنماید و در صورت اخیر مال مورد مزایده به هر میزانی که خریدار پیدا کند به فروش خواهد رفت و هزینه آگهی مجدد به عهده محکوم له می باشد. و هر گاه طلبکاران متعدد باشند رأی اکثریت آنها از حیث مبلغ طلب برای تجدید آگهی مزایده مناط اعتبار است.

ماده ۱۳۲ - هر گاه در دفعه دوم هم خریداری نباشد و محکوم له نیز مال مورد مزایده را به قیمتی که ارزیابی شده قبول ننماید آن مال به محکوم علیه مسترد خواهد شد.

ماده ۱۳۳ - تاریخ فروش و خصوصیات مال مورد فروش و بالاترین قیمتی که پیشنهاد شده و اسم و مشخصات خریدار در صورت مجلس نوشته شده و به امضاء خریدار می رسد.

ماده ۱۳۴ - تسلیم مال فقط بعد از پرداخت تمام بهای آن صورت خواهد گرفت.

ماده ۱۳۵ - اگر فروش قسمتی از اموال توقیف شده برای پرداخت محکوم به و هزینه های اجرایی کافی باشد بقیه اموال فروخته نمی شود و به صاحب آن مسترد می گردد.

ماده ۱۳۶ - در موارد زیر فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید می شود:

۱ - هر گاه فروش در غیر روز و ساعت معین یا در غیر محلی که به موجب آگهی تعیین گردیده به عمل آید.

۲ - هر گاه کسی را بدون جهت قانونی مانع از خرید شوند و یا بالاترین قیمتی را که خواسته است رد نماید.

۳ - در صورتی که مزایده بدون حضور نماینده دادسرا باشد.

۴ - در صورتی که خریدار طبق ماده ۱۲۷ ممنوع از خرید بوده باشد.

شکایت راجع به تخلف از مقررات مزایده در موارد مذکور ظرف یک هفته از تاریخ فروش به دادگاه داده می شود و قبل از انقضای مهلت مذکور یا قبل از اتخاذ تصمیم دادگاه (در صورت وصول شکایت) مال به خریدار تسلیم نخواهد شد.



مبحث دوم - فروش اموال غیر منقول

ماده ۱۳۷ - ترتیب فروش اموال غیر منقول به استثنای مواردی که در این بحث معین گردیده مانند فروش اموال منقول است.

ماده ۱۳۸ - در آگهی فروش باید نکات ذیل تصریح شود:

۱ - نام و نام خانوادگی صاحب ملک.

۲ - محل وقوع ملک و توصیف اجمالی آن و تعیین این که ملک محل سکونت یا کسب و پیشه یا تجارت یا زراعت و غیره است.

۳ - تعیین این که ملک ثبت شده است یا نه.

۴ - تعیین این که ملک در اجاره است یا نه و اگر در اجاره است مدت و میزان اجاره.

۵ - تصریح به این که ملک مشاع است یا مفروز و چه مقدار از آن فروخته می شود.

۶ - تعیین حقوقی که اشخاص نسبت به آن ملک تحت هر عنوان دارند.

۷ - قیمتی که مزایده از آن شروع می شود.

۸ - ساعت و روز و محل مزایده.

ماده ۱۳۹ - آگهی فروش به ترتیب مقرر در مبحث قبل منتشر خواهد شد. آگهی مزبور در محل ملک نیز الصاق می گردد.

ماده ۱۴۰ - هر گاه ملک مشاع باشد فقط سهم محکوم علیه به فروش می رسد مگر این که سایر شرکاء فروش تمام ملک را بخواهند در این صورت طلب محکوم له و هزینه های اجرایی از حصه محکوم علیه پرداخت می شود.

ماده ۱۴۱ - پس از انجام مزایده صورت مجلس تنظیم و در آن نام و نام خانوادگی مالک و خریدار و خصوصیات ملک و قیمتی که به فروش رسیده نوشته می شود و به ضمیمه پرونده اجرایی به دادگاهی که قسمت اجرای آن دادگاه اقدام به فروش کرده است تسلیم می گردد.

ماده ۱۴۲ - شکایت راجع به تنظیم صورت ملک و ارزیابی آن و تخلف از مقررات مزایده و سایر اقدامات دادورز (مأمور اجرا) ظرف یک هفته از تاریخ وقوع به دادگاهی که دادورز (مأمور اجرا) در آنجا مأموریت دارد داده می شود دادگاه در وقت فوق العاده به موضوع شکایت رسیدگی و در صورتی که شکایت را وارد و مؤثر دانست اقدامی را که بر خلاف مقررات شده است ابطال و دستور مقتضی صادر خواهد نمود. قبل از این که دادگاه در موضوع شکایت اظهار نظر نماید سند انتقال داده نمی شود.

ماده ۱۴۳ - دادگاه در صورت احراز صحت جریان مزایده دستور صدور سند انتقال را به نام خریدار می دهد و این دستور قطعی است.

ماده ۱۴۴ - در مواردی که ملک خریدار نداشته و محکوم له آن را در مقابل طلب خود



قبول نماید مالک ظرف دو ماه از تاریخ انجام مزایده می تواند کلیه بدهی و خسارات و هزینه های اجرایی را پرداخته و مانع انتقال ملک به محکوم له شود. دادگاه بعد از انقضای مهلت مزبور دستور انتقال تمام یا قسمتی از ملک را که معادل طلب محکوم له باشد خواهد داد.

ماده ۱۴۵ - هر گاه مالک حاضر به امضاء سند انتقال به نام خریدار نشود نماینده دادگاه سند انتقال را در دفترخانه اسناد رسمی به نام خریدار امضاء می نماید.

فصل پنجم - اعتراض شخص ثالث

ماده ۱۴۶ - هر گاه نسبت به مال منقول یا غیر منقول یا وجه نقد توقیف شده شخص ثالث اظهار حقی نماید اگر ادعای مزبور مستند به حکم قطعی یا سند رسمی باشد که تاریخ آن مقدم بر تاریخ توقیف است. توقیف رفع می شود در غیر این صورت عملیات اجرایی تعقیب می گردد و مدعی حق برای جلوگیری از عملیات اجرایی و اثبات ادعای خود می تواند به دادگاه شکایت کند.

ماده ۱۴۷ - شکایت شخص ثالث در تمام مراحل بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و پرداخت هزینه دادرسی رسیدگی می شود. مفاد شکایت به طرفین ابلاغ می شود و دادگاه به دلایل شخص ثالث و طرفین دعوی به هر نحو و در هر محل که لازم بداند رسیدگی می کند و در صورتی که دلایل شکایت را قوی یافت قرار توقیف عملیات اجرایی را تا تعیین تکلیف نهایی شکایت صادر می نماید. در این صورت اگر مال مورد اعتراض منقول باشد دادگاه می تواند با اخذ تأمین مقتضی دستور رفع توقیف و تحویل مال را به معترض بدهد.

به شکایت شخص ثالث بعد از فروش اموال توقیف شده نیز به ترتیب فوق رسیدگی خواهد شد.

تبصره - محکوم له می تواند مال دیگری را از اموال محکوم علیه به جای مال مورد اعتراض معرفی نماید. در این صورت آن مال توقیف و از مال مورد اعتراض رفع توقیف می شود و رسیدگی به شکایت شخص ثالث نیز موقوف می گردد.

فصل ششم - حق تقدم

ماده ۱۴۸ - در هر مورد که اجرای بدهی متعدد به قسمت اجراء رسیده باشد، دادورز (مأمور اجرا) باید حق تقدم هر یک از محکوم لهم را به ترتیب زیر رعایت نماید:

۱ - اگر مال منقول یا غیر منقول محکوم علیه نزد محکوم له رهن یا وثیقه یا مورد معامله شرطی و امثال آن یا در توقیف تأمین یا اجرایی باشد محکوم له نسبت به مال مزبور به میزان محکوم به بر سایر محکوم لهم حق تقدم خواهد داشت.

۲ - خدمه خانه و کارگر و مستخدم محل کار محکوم علیه نسبت به حقوق و دستمزد شش



ماه خود.

۳ - نفقه زن و هزینه نگهداری اولاد صغیر محکوم علیه برای مدت شش ماه و مهریه تا میزان دویست هزار یال.

۴ - بستانکاران طبقات مذکور در بندهای دوم و سوم نسبت به بقیه طلب خود و سایر بستانکاران.

ماده ۱۴۹ - پس از اینکه بستانکاران به ترتیب هر طبقه طلب خود را از اموال محکوم علیه وصول نمودند اگر چیزی زائد از طلب آنها بقای بماند به طبقه بعدی داده می شود و در هر یک از طبقات دوم تا چهارم اگر بستانکاران متعدد باشند مال محکوم علیه به نسبت طلب بین آنها تقسیم می گردد.

فصل هفتم - تأدیه طلب

ماده ۱۵۰ - وجوهی که در نتیجه فروش مال توقیف شده یا به طریق دیگر از محکوم علیه وصول می شود به میزان محکوم به و هزینه های اجرایی به محکوم له داده خواهد شد و اگر زائد باشد بقیه به محکوم علیه مسترد می شود.

ماده ۱۵۱ - در صورتی که وجوه حاصل کمتر از میزان محکوم به و هزینه های اجرایی باشد به درخواست محکوم له برای وصول بقیه طلب او از سایر اموال محکوم علیه توقیف می شود.

ماده ۱۵۲ - در مقابل وجهی که به محکوم له داده می شود دو نسخه رسید اخذ می گردد یک نسخه از آن به محکوم علیه تسلیم و نسخه دیگر در پرونده اجرایی بایگانی می گردد.

ماده ۱۵۳ - در موردی که محکوم له بیش از یک نفر باشد و دارایی دیگری برای محکوم علیه غیر از مال توقیف شده معلوم نشود و هیچ یک از طلبکاران بر دیگری حق تقدم نداشته باشند از وجه وصول شده معادل هزینه اجرایی به کسی که آن را پرداخته است داده می شود و بقیه بین طلبکارانی که تا آن تاریخ اجراییه صادر و درخواست استیفاء طلب خود را نموده اند به نسبت طلبی که دارند با رعایت مواد ۱۵۴ و ۱۵۵ تقسیم می شود.

ماده ۱۵۴ - تقسیم نامه را دادورز (مأمور اجرا) تنظیم و به طلبکاران اخطار می نماید تا از میزان سهم خود مطلع گردند.

ماده ۱۵۵ - هر یک از طلبکاران که شکایتی از ترتیب تقسیم داشته باشد می تواند ظرف یک هفته از تاریخ اخطار دادورز (مأمور اجرا) راجع به ترتیب تقسیم به دادگاه مراجعه کند.

دادگاه در جلسه اداری به شکایت رسیدگی و تصمیم قطعی اتخاذ می نماید در این صورت تقسیم پس از تعیین تکلیف شکایت در دادگاه به عمل می آید.



ماده ۱۵۶ - در صورتی که به طلبکاری زائد از سهم او داده شده باشد مقدار زائد به نحوی که در ماده ۳۹ مقرر گردیده مسترد می شود.

ماده ۱۵۷ - خسارت تأخیر تأدیه در صورتی که حکم دادگاه تا تاریخ وصول مقرر شده باشد تا زمان تنظیم تقسیم نامه جزء طلب محکوم له محسوب خواهد شد.

فصل هشتم - هزینه های اجرایی

ماده ۱۵۸ - هزینه های اجرایی عبارت است از:

۱ - پنج درصد مبلغ محکوم به بابت حق اجرای حکم که بعد از اجراء وصول می شود. در دعاوی مالی که خواسته وجه نقد نیست حق اجراء به مأخذ بهای خواسته که در دادخواست تعیین و مورد حکم قرار گرفته حساب می شود مگر این که دادگاه قیمت دیگری برای خواسته معین نموده باشد.

۲ - هزینه هایی که برای اجرای حکم ضرورت داشته باشد مانند حق الزحمه خبره و کارشناس و ارزیاب و حق حفاظت اموال و نظائر آن.

ماده ۱۵۹ - در تخلیه مورد اجاره غیر منقول صدی ده اجاره بهای سه ماه و در سایر مواردی که قانوناً تعیین بهای خواسته لازم نیست از هزار ریال تا پنج هزار ریال به تشخیص دادگاه بابت حق اجراء دریافت می شود.

ماده ۱۶۰ - پرداخت حق اجراء پس از انقضای ده روز از تاریخ ابلاغ اجراییه بر عهده محکوم علیه است ولی در صورتی که طرفین سازش کنند یا بین خود ترتیبی برای اجرای حکم بدهند نصف حق اجراء دریافت خواهد شد. و در صورتی که محکوم به بیست هزار ریال یا کمتر باشد حق اجراء تعلق نخواهد گرفت.

ماده ۱۶۱ - اگر محکوم به وجه نقد باشد حق اجراء هم ضمن آن وصول می گردد و هر گاه محکوم له بعد از شروع اقدامات اجرایی رأساً محکوم به را وصول نموده باشد و محکوم علیه حاضر به پرداخت حق اجراء نشود حق مزبور از اموال محکوم علیه طبق مقررات اجرای احکام وصول می گردد.

در این صورت هزینه هایی که برای توقیف و فروش اموال محکوم علیه لازم باشد از صندوق دادگستری پرداخت شده و پس از وصول آن به صندوق مسترد می گردد.

ماده ۱۶۲ - دادورز (مأمور اجرا) باید حق اجراء را بلافاصله پس از وصول در قبال اخذ دو نسخه رسید به صندوق دادگستری پرداخت کند و یک نسخه از رسید مزبور را به محکوم علیه تسلیم و نسخه دیگری را پیوست پرونده اجرایی نماید.

ماده ۱۶۳ - دادورز (مأمور اجرا) باید جریمه نقدی مقرر در حکم قطعی را نیز به ترتیب مذکور در این قانون وصول نماید.

ماده ۱۶۴ - اجرای موقت حکم حق اجراء ندارد ولی اگر اجرای موقت به اجرای قطعی حکم



منتهی شود حق اجراء وصول می گردد.

ماده ۱۶۵ - راجع به احکامی که قبل از خاتمه رسیدگی فرجامی نسبت به آنها اجراییه صادر گردیده حق اجراء پس از وصول در صندوق دادگستری می ماند تا در صورت نقض حکم به محکوم علیه مسترد گردد.

ماده ۱۶۶ - پنجاه درصد از حق اجراء طبق آیین نامه وزارت دادگستری به مصرف تهیه و بهبود وسائل لازم برای تسریع اجرای احکام و پاداش متصدیان اجراء می رسد و بقیه به حساب درآمد اختصاصی وزارت دادگستری منظور می گردد.

ماده ۱۶۷ - مقررات این قانون شامل اجراییه هایی نیز خواهد بود که قبل از این قانون صادر گردیده و در جریان اجراء می باشند لیکن آن مقدار از اقدامات اجرایی که مطابق قانون سابق به عمل آمده معتبر است.

ماده ۱۶۸ - هر گاه از تاریخ صدور اجراییه بیش از پنج سال گذشته و محکوم له عملیات اجرایی را تعقیب نکرده باشد اجراییه بلا اثر تلقی می شود و در این مورد اگر حق اجراء وصول نشده باشد دیگر قابل وصول نخواهد بود. محکوم له می تواند مجدداً از دادگاه تقاضای صدور اجراییه نماید ولی در مورد اجرای هر حکم فقط یک بار حق اجراء دریافت می شود.

فصل نهم - احکام و اسناد لازم الاجراء کشورهای خارجی

ماده ۱۶۹ - احکام مدنی صادر از دادگاه های خارجی در صورتی که واجد شرایط زیر باشد در ایران قابل اجراء است مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد:

۱ - حکم از کشوری صادر شده باشد که به موجب قوانین خود یا عهود یا قراردادهای احکام صادر از دادگاه های ایران در آن کشور قابل اجراء باشد یا در مورد اجرای احکام معامله متقابل نماید.

۲ - مفاد حکم مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی یا اخلاق حسنه نباشد.

۳ - اجرای حکم مخالف با عهود بین المللی که دولت ایران آن را امضاء کرده یا مخالف قوانین مخصوص نباشد.

۴ - حکم در کشوری که صادر شده قطعی و لازم الاجراء بوده و به علت قانونی از اعتبار نیفتاده باشد.

۵ - از دادگاه های ایران حکمی مخالف دادگاه خارجی صادر نشده باشد.

۶ - رسیدگی به موضوع دعوی مطابق قوانین ایران اختصاص به دادگاه های ایران نداشته باشد.

۷ - حکم راجع به اموال غیر منقول واقع در ایران و حقوق متعلق به آن نباشد.

۸ - دستور اجرای حکم از مقامات صلاحیتدار کشور صادرکننده حکم صادر شده باشد.



ماده ۱۷۰ - مرجع تقاضای اجرای حکم دادگاه شهرستان محل اقامت یا محل سکونت محکوم علیه است و اگر محل اقامت یا محل سکونت محکوم علیه در ایران معلوم نباشد دادگاه شهرستان تهران است.

ماده ۱۷۱ - در صورتی که در معاهدات و قراردادهای بین دولت ایران و کشور صادرکننده حکم ترتیب و شرایطی برای اجرای حکم مقرر شده باشد همان ترتیب و شرائط متبع خواهد بود.

ماده ۱۷۲ - اجرای حکم باید کتباً تقاضا شود و در تقاضانامه مزبور نام محکوم له و محکوم علیه و مشخصات دیگر آنها قید گردد.

ماده ۱۷۳ - به تقاضانامه اجرای حکم باید مدارک زیر پیوست شود:

۱ - نسخه‌ای از رونوشت حکم دادگاه خارجی که صحت مطابقت آن با اصل به وسیله مأمور سیاسی یا کنسولی کشور صادرکننده حکم گواهی شده باشد با ترجمه رسمی گواهی شده آن به زبان فارسی.

۲ - رونوشت دستور اجرای حکمی که از طرف مرجع صلاحیتدار مربوط صادر شده با ترجمه گواهی شده آن.

۳ - گواهی نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشوری که حکم از آنجا صادر شده یا نماینده سیاسی یا کنسولی کشور صادرکننده حکم در ایران راجع به صدور و دستور اجرای حکم از مقامات صلاحیتدار.

۴ - گواهی امضاء نماینده سیاسی یا کنسولی کشور خارجی مقیم ایران از طرف وزارت امور خارجه.

ماده ۱۷۴ - مدیر دفتر دادگاه عین تقاضا و پیوسته‌های آن را به دادگاه می‌فرستد و دادگاه در جلسه اداری فوق‌العاده با بررسی تقاضا و مدارک ضمیمه آن قرار قبول تقاضا و لازم‌الاجراء بودن حکم را صادر و دستور اجراء می‌دهد و یا با ذکر علل و جهات رد تقاضا را اعلام می‌نماید.

ماده ۱۷۵ - قرار رد تقاضا باید به متقاضی ابلاغ شود و نامبرده می‌تواند ظرف ده روز از آن پژوهش بخواهد.

ماده ۱۷۶ - دادگاه مرجع پژوهش در جلسه اداری فوق‌العاده به موضوع رسیدگی و در صورت وارد بودن شکایت با فسخ رأی پژوهش‌خواسته امر به اجرای حکم صادر می‌نماید و در غیر این صورت آن را تأیید می‌کند. رأی دادگاه قابل فرجام نخواهد بود.

ماده ۱۷۷ - اسناد تنظیم شده لازم‌الاجراء در کشورهای خارجی به همان ترتیب و شرایطی که برای اجرای احکام دادگاههای خارجی در ایران مقرر گردیده قابل اجراء



می‌باشد و بعلاوه نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشوری که سند در آنجا تنظیم شده باشد باید موافقت تنظیم سند را با قوانین محل گواهی نماید.

ماده ۱۷۸ - احکام و اسناد خارجی طبق مقررات اجرای احکام مدنی به مرحله اجراء گذارده می‌شود.

ماده ۱۷۹ - ترتیب رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای احکام و اسناد خارجی و اشکالاتی که در جریان اجراء پیش می‌آید همچنین ترتیب توقیف عملیات اجرایی و ابطال اجراییه به نحوی است که در قوانین ایران مقرر است. مرجع رسیدگی دادگاههای مذکور در ماده ۱۷۰ می‌باشد.

ماده ۱۸۰ - موارد مندرج در باب ششم قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۳۲۹ قمری و مواد راجع به اجرای احکام در قانون تسریع محاکمات و سایر قوانینی که مخالف این قانون باشد ملغی است.

قانون فوق مشتمل بر یکصد و هشتاد ماده و هشت تبصره پس از تصویب مجلس سنا در جلسه روز دوشنبه ۲۵۳۵،۱۱،۴، در جلسه روز یکشنبه اول آبان ماه دو هزار و پانصد و سی و شش شاهنشاهی به تصویب مجلس شورای ملی رسید.
رئیس مجلس شورای ملی - عبدالله ریاضی